

نمایش در مشهد
محمدرضا زعمانی زوارزاده

مکان: گنجینه هنر و صنایع دستی

سال: ۱۳۹۵

مقدمه:

سال ۱۳۹۵ شمسی نقطه عطفی در زمینه آغاز کار نمایش در مشهد بوده است که بنا به قرارهای متداوله و اکتسابی از فرنگت، «تئاتر» نامیده می‌شده و خالی از تاثرات مذهبی به‌شکلی که در شبیه‌خوانیهای آن روزگار وجود داشته، بوده است. در این سال عده‌ای از روشنفکران و علاقه‌مندان به تئاتر، منجمله اتباع روسیه تزاری مقیم مشهد که اکثراً به‌کار تجارت مشغول بودند، مرحوم اعتبارالسلطنه غفاری را که مردی یادوق و هنردوست بود، به ایجاد سالنی در کوچه کنسولگری افغان «کوچه

ارگک فعلی، تشویق نمودند.

در حقیقت ایجاد سالن اعتبارالسلطنه اولین گامی بوده است که در راه اشاعه این هنر، برداشته شده، چنانچه تا مدت‌ها بعد از این تاریخ، سالن مذکور کعبه آمال و مرکز تجمع ارباب ذوق و هنر بوده است. اکثر نمایشنامه‌هایی که در این سالن اجرا می‌گردید، به زبان ترکی بود و صحنه‌گردانان اصلی، روسهای مهاجر بودند.

گهگاه نیز ایرانیان باذوق دست‌اندرکار تهیه و تدوین برنامه‌ها می‌شدند، از جمله می‌توان آقای آذرخشی مترجم معروف را نام برد که در آن هنگام در اداره نظمیة مشهد کار می‌کرد و اغلب نمایشنامه‌هایی را که خود ترجمه نموده بود، شخصاً به روی صحنه می‌آورد.

نکته جالب این بود که نقش زن‌ها را آقایان بازی می‌کردند و کسانی که برای ایفای نقش خانمها انتخاب می‌شدند، بایستی از مشخصات خاصی برخوردار می‌بودند، مثلاً داشتن صدای نازک و صورتی خوش‌منظر، از واجبات بود.

از جمله، اکبر کاظمیان، مرحوم مژده و علی‌اکبر اژدری در ایفای نقش زنان مهارت به‌مزائی داشتند.

بعدها مادام سیرانوش و خانم مریم گرجی به این جمع اضافه شدند. اسامی سایر هنرمندانیکه در این گروه فعالیت داشته‌اند، عبارت است از: مرحوم پرویز آذرخشی، احسان آذرخشی، آقای حکمی، عباس حیدری، حبیب اژدری. مدیر این تئاتر مسیو اوگانف و کارگردان برنامه‌ها قمرلیسکی نام داشته است.^{۱۰}

۱- سالنهای نمایش در مشهد

از سال ۱۲۹۰ شمسی تاکنون که ۷۶ سال است که کار نمایش در مشهد ادامه دارد، قریب ۱۴ سالن مشخص و معروف، مخصوص این کار ساخته و یا اجاره شده که اکنون پنج‌تای آن وجود دارد.

از این پنج سالن، چهار سالن نیمه‌فعال و یک سالن تمام‌وقت فعال است. بیشتر این سالن‌ها، انگیزه بوجود آمدن گروههای تئاتری در زمانهای متفاوت بوده که به‌طور مفصل در بخش سوم این تحقیق از آنها سخن خواهد رفت. حال می‌پردازیم به سالنهایی که از سال ۱۲۹۰ شمسی تا ۱۳۴۰ در مشهد ساخته شده است.

شایان ذکر است که از آنزمان تاکنون، در مشهد هیچ سالنی برای تئاتر ساخته نشده است، و علاقه‌مندان به‌کار نمایش با همت خود و یا کمک اداره فرهنگ و هنر وقت سالنهایی را اجاره و در آنجا کار کرده‌اند.

۱- منصور همایونی، سرگذشت نمایش در مشهد، از انتشارات اداره کل فرهنگ و هنر خراسان، چاپ چاپخانه کوشش، ۱۳۴۸، صفحات ۴ تا ۱۷.

• سالن اعتبار السلطنه - تأسیس سال ۱۲۹۰ شمسی

این سالن اولین سالنی است که در مشهد ساخته شده و نقطه عطف تأثر و کار نمایش در این شهر است، (چنانچه قبلاً ذکر شد). این سالن به تشویق یکی از تجار وقت که ظاهراً هندروست هم بوده ساخته شده، و اکنون بعد از گذشت چندین سال تخریب و تبدیل به خانه مسکونی گردیده است. سالن مزبور گنجایش ۳۰۰ صندلی را داشت و برخی از شبها نیز به نمایش فیلمهای صامت آن زمان اختصاص می‌یافت، و چون در آن موقع شهر فاقد برق بود، دستگاه نمایش فیلم با چراغ کارپیت و با کمک دست کار می‌کرد.

• سالن باغ ملی «تابستانی» - تأسیس سال ۱۲۹۷ شمسی

سالن اعتبار السلطنه تحرکی در زمینه کار تأثر ایجاد کرد و در نتیجه سالن تابستانی در محل باغ ملی فعلی مشهد دائر شد. مرحوم کلنل محمد تقی خان پسیان که سالهایی از عمر خود را در فرنگ گذرانیده و مطالعاتی در زمینه آثار درام نویسان اروپائی خاصه آلمانی داشت، یکی از مشوقین ایجاد این سالن به‌شمار می‌رود. تابستانها در این سالن ضمن اجرای برنامه‌های تأثر، اغلب نمایشهای پهلوانی و شعبده‌بازی نیز اجرا می‌شده است. هم‌اکنون این سالن تخریب و استودیوی تولید برنامه‌های تلویزیونی - توسط صدا و سیما مرکز مشهد در آن محل در دست ساختمان است.

• سالن باشگاه افسران - تأسیس سال ۱۳۰۳

سالن دیگری که بعداً تأسیس شد و هم‌اکنون نیز با جزئی تعمیرات مورد استفاده است، سالن باشگاه افسران مشهد است، که به نام (باشگاه ارکان حرب) معروف بوده این سالن نیز موقعی که مرحوم قوام السلطنه والی خراسان بود، به تشویق وی ساخته و پرداخته گردید و چون جنبه خصوصی داشته و دارد، کمتر فعالیت چشم‌گیری در آن انجام پذیرفته است.

به‌رحال این سالن با تمام نقائص فنی هنوز هم آخرین پایگاه و روزنه امید گروههای هنری که مشکل عمده کارشان عدم يك سالن لاقول محقر است، به‌شمار می‌آید.

این سالن هم‌اکنون در محل قرارگاه لشکر ۷۷ مشهد، در خیابان امام خمینی موجود است.

• سالن دبیرستان فردوسی - تأسیس سال ۱۳۱۲

از سالنهای خصوصی دیگر که در حدود سال ۱۳۱۲ شمسی بوجود آمد، می‌توان

سالن نمایش دبیرستان فردوسی را نام برد که اگرچه آنهم دارای نقائص فنی بود و از جهتی جنبه خصوصی آن سبب رکود کارهای هنری بوده و هست، معذالك تا حدی محل عرضه کار گروههای آماتور و دانش‌آموزان باذوق آن زمان و مرکز انعقاد جشنهای فرهنگی بوده و هنوز هم گاهی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

• سالن هلال احمر (شیر و خورشید سابق) - تأسیس سال ۱۳۱۲

این سالن که به نام خانه جوانان معروف بود، پس از انقلاب اسلامی به سالن هلال احمر تغییر نام داد و تنها سالن فعال مشهد بوده و هست.

این سالن دارای سوابق درخشانی در مورد عرضه کار گروهها و اپراز فعالیتهای ارزنده در زمینه تئاتر است.

این سالن از لحاظ فنی، یکی از مجهزترین سالنهای نمایش در مشهد است. تا حدود سال ۱۳۱۴ از نظر ساختمان وضع محقری داشت که ضمن آتش‌سوزی در همان ایام از بین رفت و به جای آن ساختمان و تالار مجلل فعلی با نظارت مهندسین آلمانی بوجود آمد.

گنجایش این سالن ۴۵۰ نفر بوده و دارای صحنه‌ای به طول ۲۰ متر، عرض ۱۰ متر و ارتفاع ۱۰ متر است.

سالن انتظار و فضای سبز وسیع در اطراف سالن کلا در مجموعه ساختمان اداری هلال احمر مشهد قرار دارد.

در سال ۱۳۵۹ نیز جنب این سالن از یک انبار، سالن کوچکی به گنجایش ۱۰۰ نفر ایجاد گردید که به‌طور مستمر از آن استفاده شده و می‌شود.

جشنواره‌های سراسری تئاتر و نمایشهای عمده مشهد در این سالن اجرا می‌شود، که از نظر سابقه کار نمایش شهرت زیادی دارد. اطلاعات بیشتر

• تئاتر ملی - تأسیس سال ۱۳۱۸

در خیابان امام خمینی مشهد (پهلوی سابق)، مقابل دارائی و اداره مالیه، ساختمانی قدیمی وجود داشت که در سالهای قبل از شهریور ۲۰ به نام مهمانخانه رستوران ملی دایر و اغلب شبها نیز دارای اتراکسیونهای جالب بود.

خصوصاً در تابستانها و آنهم در فضای آزاد بارخ متصل به این مهمانخانه عملیات عجیبه بندبازی و گذشتن از حلقه‌های آتش و غیره انجام می‌گرفت که در نوع خود بی‌نظیر بود.

در احوال عده‌ای از دوستداران تئاتر و هنرمندان آنزمان که نیاز این شهر را به دارا بودن یک تئاتر دائمی حس می‌کردند، مرحوم گلزار، مدیر مهمانخانه ملی را به ایجاد تماشاخانه‌ای در محل رستوران تشویق کردند و سرانجام در سال ۱۳۲۱ این کار عملی گشت.

این تماشاخانه برخلاف تصور مرحوم گلزار مورد اقبال و توجه مردم قرار گرفت

و چندی بعد شکل تمیزتری یافت.

بعدها ولخرجیهای مرحوم گلزار آنرا به محاق تعطیل و ورشکستگی سوق داد. سالن این تئاتر مجدداً توسط گروه فرهنگیان تحت عنوان «تئاتر هنرمندان» در سال ۱۳۲۸ دائر گشت.

این تماشاخانه به علت نداشتن سرمایه لازم و عدم همانگی هنرپیشگان مدتی بعد تعطیل گردید.

در این احوال تماشاخانه گلشن که یکی دیگر از تئاترهای حرفه‌ای این شهر است، رقابت شدیدی با تماشاخانه ملی می‌نمود و در زمان تشکیل «تئاتر هنرمندان» کار از رقابت به حسادت کشیده بود. بنابراین تماشاخانه اخیرالذکر موقعی که رو به ورشکستگی می‌رفت، محل این تئاتر را اجاره نمود و مدتی نیز با نام «فردوسی» آنرا اداره کرد، سپس به عمد آنرا تعطیل و وسائش را به محل تئاتر گلشن منتقل نمود و سالن را از حیز انتفاع ساقط کرد. هم‌اکنون محل این تماشاخانه پس از تخریب به پاماژ و مسجد تبدیل شده است.

• تماشاخانه گلشن - تأسیس سال ۱۳۲۴

این سالن تا سال ۱۳۲۴ مانند تئاتر ملی به صورت رستوران بود و مد از تخلیه ایران از قوای بیگانه و برچیده شدن رستورانها در مشهد، تبدیل به تماشاخانه گردید. عمده فعالیت این تماشاخانه تا آغاز انقلاب اسلامی بود که در جریان انقلاب و به آتش کشیدن سینماها این تماشاخانه نیز مورد هجوم مردم قرار گرفت و ویران شد.

هم‌اکنون این تماشاخانه دوباره به رستوران تبدیل شده است.

• سینما تئاتر ایران - تأسیس سال ۱۳۲۷

چون مرحوم گلزار مدیر تماشاخانه ملی حقوق هنرمندان را رعایت نکرد، در سال ۱۳۲۷ عده‌ای از آنان گروه سینما را تشکیل دادند. مدیر سابق شرکت سینما خراسان که مردی هنردوست و مشوق هنرمندان بود جمع شده و موافقت وی را نسبت به ایجاد تئاتر آبرومندی در محل سینما ایران جلب نمودند.

سینما ایران که سالها قبل از این به نامهای مایاک و دیده‌بان معروف بود، دارای صحنه نسبتاً مجهزی بود و در زمان اشغال خراسان اغلب نیز به‌طور پراکنده توسط هنرمندان خارجی فعالیتها در آن به چشم می‌خورد.

سالن تاپستانی این تئاتر در کوچهٔ روپروی باغ ملی قرار داشت.

در آن هنگام دو تماشاخانه دیگر (ملی و گلشن) در این شهر فعالیت داشتند و با وضع آبرومندی که این تئاتر به خود گرفته بود، از نظر مادی وضع دو تئاتر دیگر را به مخاطره افکنده بود.

ناگزیر این دو تئاتر در مقام کارشکنی برآمدند و به تطمیع و فریب دادن

هنرمندان تئاتر ایران پرداختند تا جائی که نابسامانی چشم‌گیری در کار این تئاتر حاصل شد.

به این ترتیب تئاتر ایران نیز تعطیل شد و مدتی بعد هم به‌منظور ایجاد «اکران» وسیعتر، سن را خراب و قسمتی از آنرا ضمیمه سالن نمودند. هم‌اکنون مکان این تماشاخانه به پاساژ تبدیل شده است.

• تماشاخانه نادر - تاسیس سال ۱۳۳۶

در محلی نزدیک به میدان دهم دی (سوم اسفند سابق) که قبلاً به میدان چرخ معروف بود، سالتی توسط چند نفر از درجه‌داران و افسران لشکر به‌منظور ایجاد باشگاهی برای آنان (به نام باشگاه سرباز) ایجاد گردید، که گهگاه برنامه‌هایی از هنرمندان تئاتر دهقان و یکی دو گروه آماتور مشهد در آن نمایش داده می‌شد.

ملکوتی‌نامی که با همسر هنرمندش به ناحیه راه‌آهن مشهد منتقل شده بود، یکی از دوستان مشهدی خود را (مهدی صدیق) که در سرچنگلداری خراسان کار می‌کرد، بر آن داشت که این سالن را برای ایجاد یک تئاتر نمونه اجاره نماید.

سال ۱۳۳۶ بالاخره تئاتر نادر یا همکاری جمعی از هنرمندان گوشه‌نشین مشهد چون قنادان، سیاوشی و عده‌ای از هنرمندان تهران و همچنین با جلب همکاری گروه منری مانی کار خود را شروع کرد.

متأسفانه بروز اختلافاتی که منشاء اصلی آن عوامل و محرکین (رقیب) بودند منجر به تعطیل این تئاتر گردید.

سپس منصور همایونی، یکی از پیشکسوتان تئاتر مشهد که از ابتدای کار با گروه خود به جمع هنرمندان این تئاتر پیوسته بود، در سال ۱۳۳۷ تئاتر را خریداری کرد و مجدداً به وضع آپرومندی برنامه کار را ادامه داد. این تئاتر به‌علت دوری از مرکز شهر و خودداری از ایتدال، نتوانست هزینه‌های سنگین خرد را تأمین نماید.

این سالن بعدها خراب و تبدیل به منازل مسکونی شد.

سقوط این تئاتر که در حقیقت آخرین کوشش در راه ایجاد یک تئاتر واقعی در شهرستان مشهد بود، سبب شد که هنرمندان ارزنده این شهر خانه‌نشین شوند، و یا برای همیشه با این هنر وداع نمایند.

• تالار رازی - تاسیس سال ۱۳۳۹

یکی دیگر از سالنهایی که امور ساختمانی آن تا سال ۱۳۳۹ پایان پذیرفت، تالار رازی دانشکده پزشکی مشهد است، که یکی از فنی‌ترین سالنهای این شهر می‌باشد و اغلب برگزاری فعالیتهای ارزنده‌ای را در سالهای اخیر سبب گردیده است.

۱- منصور همایونی، سرگذشت نمایش در مشهد، از انتشارات اداره کل فرهنگ و هنر خراسان، چاپ چاپخانه کوشش. ۱۳۴۸، صفحات ۵ تا ۱۶.

این سالن در اصل برای نمایش فیلم ساخته شده، ضمن اینکه از سن نسبتاً بزرگی برخوردارست، لکن از وسعت سالن برای گنجایش تماشاچی، استفاده مطلوب نشده و تعداد صندلی‌های آن کم است. این سالن هم‌اکنون موجودست، البته با فعالیتی کم و نسبتاً اختصاصی.

• سالن خیمه‌شب‌بازی فردوسی - تأسیس سال ۱۳۴۶

در حدود سالهای ۱۳۴۶ سالنی محقر به نام (خیمه‌شب‌بازی فردوسی) در محل کوه‌سنگی مشهد دائر گردید، که فقط تابستانها فعالیت داشت. این تئاتر دارای هیئت مدیره‌ای بود که یک نقاش و دکوراتور و یک منقد خوب تئاتر در آن عضویت داشتند. این سالن نیز چند سال پیش تعطیل شده.

۲- نمایش قبل از انقلاب اسلامی در مشهد

نمایش قبل از انقلاب اسلامی در مشهد را می‌توان دارای ابعاد فراوانی دانست. گروههای پراکنده و بدون انسجام، حب و بغضهای بی‌مورد و بعضی جاه‌طلبیها باعث نزول و رکود تئاتر مشهد در سالهای مذکور است. گاه کورسوهایی مشاهده می‌شود، که اگر نیت پاکی در پی داشته سزاوار شکست و اگر همینطور باری به‌رجهت سرپا گشته اندکی بیشتر مانده و بعد از ریشه زده شده است.

به‌ر تقدیر شمه کوتاهی از آن دوران و گروهها در چکامه‌ای کم‌حجم در دست است که به همت والای منصور همایونی، یکی از ارزنده‌ترین پیشکسوتان تئاتر مشهد نگاشته شده که می‌توان گفت تنها منبع اطلاعاتی ما از این دوران است و دو کارنامک از گروههای نمایشی سالهای ۴۸-۵۵ به همت رضا صابری.

۲/۱- گروههای نمایشی اولیه (سالهای ۱۲۹۰ - ۱۳۴۰ شمسی)

الف - سالهای ۱۲۹۰ تا ۱۲۹۷ که سالن اعتبارالسلطنه را جمعی از روشنفکران و علاقه‌مندان به تئاتر منجمله اتباع روسیه تزاری مقیم مشهد که اکثراً به‌کار تجارت مشغول بودند، و با تشویق مرحوم اعتبارالسلطنه غفاری ایجاد کردند، نقطه‌مطف تئاتر دز مشهد باید دانست.

اکثر نمایشنامه‌هایی که در آنزمان اجرا می‌گردیدند به زبان ترکی بود و صحنه‌گردانهای آن روسهای مهاجر.

کجهگامی هم آقای آذرخشی نمایشنامه‌هایی را شخصاً به روی صحنه می‌برد. از هنرپیشگان بنام آن زمان می‌توان از، اکبر کاظمیان، مرحوم مژده، علی‌اکبر اژدری که عموماً نقش زنان را ایفا می‌کردند و مادام سیرانوش و مریم گرچی، مرحوم

برویز آنرختشی، احسان آنرختشی، آقای حکمی، عباس حیدری، حبیب اژدری نام برد. مدیر این گروه مسیو اوگانف و کارگردان برنامه‌ها قمرلیسکی بود. عده‌ای دیگر که گاهی اوقات با این گروه همکاری داشتند، عبارت بودند از: مرحوم شیخ یوسف و شیخ اسماعیل‌خان قازیانی - مرحوم میرزا علی‌اکبرخان جهانی، محمدعلی اژدری، عماد آشفته (عماد اعصار، که بعدها روزنامه آشفته را اداره می‌کرد). پ - در سالهای ۱۲۹۷ تا ۱۳۰۳، با ایجاد دوین سالن در مشهد (سالن باغ ملی) که به صورت نایستانی از آن استفاده می‌شد، و افرادی چون مرحوم کلنل محمد تقی‌خان پسیان به ترجمه آثار درام‌نویسان اروپائی می‌پرداختند، تئاتر فعالیت چشمگیری داشت.

ضمن اجرای برنامه‌های تئاتر در این سالها، اغلب نمایشهای پهلوانی و شعبده بازی نیز انجام می‌شد.

مرحوم عارف قزوینی شاعر معروف دوران مشروطیت در سفری که به مشهد نموده بود، نمایشنامه منظوم «رستاخیز سلاطین» که نقش اول آنرا خود ایفا می‌نمود، در حضور جمعی از معاریف و رؤسای وقت خراسان منجمله شادروان کلنل محمدتقی خان پسیان و مرحوم ایرج‌میرزا شاعر معروف کهنه در آنموقع پست معاونت مالیه خراسان را به عهده داشت به معرض اجرا گذاشت، که ما را ناگزیر از ذکر واقعه‌ای می‌کند که اتفاق افتاد.

در قسمتی از این نمایشنامه عارف با صدای پرشور خود به این بیت رسید،
چو جغد بر سر و پرانه‌های شاه‌عباس نشست عارف و لعنت به‌گور خاقان‌کرد
ایرج‌میرزا که خود از شاهزادگان قاجار بود از توهینتی که به جد وی «خاقان منفور» شده بود سخت آزرده‌خاطر گردید، به‌طوری‌که لحظه‌ای بعد سالن نمایش را به‌عنوان اعتراض ترک نمود.

ایباتی که براساس هجو عارف توسط ایرج‌میرزا سروده شده بدین شرح است:
بیا عارف که روی کار برگشته
میرا با تو روابط تیره‌تر گشته
شنیدم در تئاتر باغ ملی
برون ابداعتی حق جلیلی
به جای بد کشانیدی سخن را
بسی بی‌ربط خوانندی آن دهن را
چنین گفتند کز آن چیز عادی
همی خوردی ولی قدری زیادی
الهی می‌زد آواز ترا سن ۱
که دیگر کس نمی‌دیدت سر سن ۲
پرادرجان خراسان است اینجا
سخن گفتن نه آسان است اینجا
خراسان مردم باهوش دارد
خراسانی دو لب ده گوش دارد
ج - در سالهای ۱۳۰۳ تا ۱۳۱۲ به‌ندرت کارهای تئاتری اجرا می‌شد و اکثراً به‌طور خصوصی در سالنهای اعتبارالسلطنه و باغ ملی و سالن جدیدالاجداث باشگاه

۱- سن: نوعی آفت، شته.

۲- سن: صحنه، جایگاه نمایش.

افسران تئاترهای به وسیله گروههای خاص و تنها برای اقشار خاص اجرا می‌شد. د - در سالهای ۱۳۱۲ تا ۱۳۱۸ - قوی‌ترین گروهی که در ضمن جشنهای فرهنگی برنامه تئاتر اجرا می‌کرد، گروه آقای امیرحسین مهرپور (مدیرکل امور تربیتی و هنری وزارت آموزش و پرورش) بود که در گروه وی جمعی از فرهنگیان هنرمند عضویت و شرکت داشتند، که از جمله می‌توان آقایان: حبیب اژدری، پاشائی و خوشنویسان را نام برد.

اکثر نمایشنامه‌ها نوشته آقای مهرپور بود. که موفقترین آنها عبارتند از: مهر و شرف، خانم احساساتی، ماجرای عجیب.

آقای مهرپور که در آنموقع هنرآموز موسیقی آموزشگاهها بود، با ایجاد دسته‌های کر و تنظیم و اجرای سرودهای گروهی توسط دختران دانش‌آموز، محیط هنری مشهد را بارور نمود و پای خانمهای باذوق را به اینگونه فعالیت‌های هنری باز کرد، که حقا تا امروز بیسابقه بوده است.

آخرین برنامه آقای مهرپور نمایشنامه «نادرشاه» بود که با شرکت آقایان میر بازل - مستوفی - و غیره در سال ۱۳۳۸ اجرا گردید.

یکی از اقدامات ارزنده این گروه دعوت از پروفیسور دیوید سون استاد تئاتر دانشگاههای آمریکا به مشهد است که در آنموقع بنا به دعوت دانشگاه تهران به ایران آمده بود. کلاس ۱۵ روزه این استاد آمریکائی در شناخت تئاتر تو و تکنیک آن برای جامعه تئاتر خراسان مفید بوده است.

یکی دیگر از گروههایی که در این سالها فعالیت‌های چشم‌گیری داشته، گروه سانی، به کارگردانی منصور همایونی بوده است، که بعدها این گروه به جمع هنرمندان تئاتر نادر پیوست و بعد از مدتی یکسره اداره امور آنها در اختیار گرفت.

بعد از شهریور ۱۳۲۵ بزرگترین فعالیت‌های تئاتری در سالن هلال احمر کنونی توسط گروههای مختلف، از جمله گروه آقای عبدالحسین نوشین با همکاری هنرمندان معروف کشور برگزار گردید.

ه - سالهای ۱۳۱۸ تا ۱۳۲۴ - در این سالها نیز برنامه‌های اولیه تئاتر ملی نوعی از نمایشهای شادی‌آور (سیاه‌بازی) بود که سیاه‌باز معروف. آنزمان (شاهپور) نقش سیاه را بازی می‌کرد و بعدها دیگران مانند وحیدی و قفقازی جانشین او شدند. از دیگر بازیکنان معروف این تئاتر، باقر سیاوشی و همسرش، دست‌ورز، امیر رسا، شاهقدمی و مجید شهباز بودند.

زمانی نیز این گروه شکل بهتری یافت که برادران مهرپور و جمعی دیگر از فرهنگیان آنزمان از قبیل، آقایان اژدری، میربازل، و حیدری به آنها پیوستند، هنرپیشگان معروف تهران از جمله مصفا و بهشتی و غیره اغلب با این گروه همکاری داشتند.

بررسی نمایشنامه‌ها تحت نظر هیئت تحریریه‌ای انجام می‌گرفت که ریاست آنها مرحوم محمد زوار که از فرهنگیان برجسته آنزمان بود به‌عهده داشت.

در جریانات سیاسی آزمون و خصوصاً در دوران اشغال خراسان توسط قوای بیگانه، این گروه به اوج نفوذ خود رسیده بود.

از برنامه‌های جالبی که این گروه در سالهای ۱۳۲۸ اجرا کرد، مالک و زارع، ریچاره دارلینگتون، سه تفنگدار، سرباز شکلاتی (اثر برنارد شاو) را می‌توان نام برد. سالهای ۲۱ تا ۲۴ نیز هنرمندان سیار شوروی مرتباً جهت نیروهای مقیم این شهرستان و گاهی به منظور استفاده عموم برنامه‌هایی اجراء می‌نمودند.

به‌رحال در این سال نیز با همکاری هنرمندان معروف خراسان چون آقایان، حبیب اژدری، آذریان، وحیدی، میربازل، شاهقدمی، نکوئیان و عده‌ای از خانمهای هنرمند، منجمه خانم سلیمانی، برنامه‌های جالبی به روی صحنه آمد که از آنجمله می‌توان تاجر ونیزی (اثر ویلیام شکسپیر) را نام برد که اجرای بسیار موفقی داشت، خصوصاً از نظر دکور و ملزومات و لباسها، تا آن موقع بی‌نظیر بود و این خصوصیت در اکثر نمایشنامه‌های این گروه در این دوره مشخص، کاملاً به چشم می‌خورد.

یکی از هنرمندان به‌نام سالهای ۱۳۲۴ آقای قفقازی بود که شرکای تئاتر گلشن او را از تماشاخانه ملی به تئاتر گلشن آوردند و در ثلث سهام این تئاتر به‌طور رایگان شریک نمودند و از آن هنگام نامبرده بدون وقفه در آن تئاتر کار کرد چنانچه مردم مشهد، نام تماشاخانه گلشن را با نام قفقازی مترادف می‌دانستند، زیرا در تمام نمایشنامه‌ها، هدف او بود و دیگران وسیله.

نمایشنامه‌هایی که در این زمان اجرا می‌شد اکثراً به‌طریق «سوژه‌ای» بازی می‌شد و تمرینی در کار نبود، و موضوع اصلی نمایشنامه‌های تاریخی نیز تخیلی بود.

و - در سالهای ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۶ گروه خیریه پروین با همکاری هنرمندان معروف فرهنگی، بهترین برنامه‌ها را اجرا کردند که از جمله، (دادخواهی دنیا) اثر آقای احمدعلی مهرپور و با شرکت هنرمندان معروف آزمون آقایان خوشنویسان، برادران مهرپور، حبیب اژدری، پاشائی، میربازل و غیره بروی صحنه آمد و خاطره آن هنوز در بین هنردوستان باقی است.

از جمله نمایشنامه‌های خاطره‌انگیز دیگری که در این سالها اجرا شده سلطان عبدالحمید - یعقوب لیث - دین افسر به میهن را می‌توان نام برد.

ز - سالهای ۱۳۲۶ تا ۱۳۲۶ - در این سالها باید از گروه هنری ایران فیلم که سرپرستی آنرا آقای حلمی از هنرمندان روسی‌الاصل داشت (که بعداً تابعیت ایران را پذیرفته بود)، یاد کرد.

نامبرده که تحصیلات عمیقی در رشته تئاتر نوین داشته و پیرو مکتب استا - نیسلاویسکی بود، گروه بیشماری از جوانان و علاقه‌مندان خراسانی را در سالن باغ ملی گرد آورد و با ایجاد کلاسی به آموختن تکنیک تئاتر پرداخت. وی پس از مدتها زحمت و تمرینهای شبانه‌روزی و تهیه لباسها و وسائل مورد لزوم صحنه، نمایشنامه (کاو، و ضحاک) را پس از پایان کلاس با موفقیتی باورنکردنی که تا امروز نظیری

بر آن نمی‌توان شمرد به روی صحنه آورد.

این نمایشنامه که بیش از ۸۰ نفر هنرپیشه و سیاهی‌لشکر در آن شرکت داشتند در سالن شیر و خورشید «هلال احمر کنونی» اجراء گردید.

گروه ایران‌قیلم که بحق از قوی‌ترین گروه‌های تاریخ تئاتر خراسان بود فدای جزر و مدهای سیاسی آنزمان گردید و از بین رفت.

بهرحال این گروه از نظر تربیت هنرپیشه و آموختن اصول نوین و تکنیک این هنر، در گسترش فعالیت‌های تمرینش بعدی مؤثر بوده است.

ح - سالهای ۱۳۳۶ تا ۱۳۴۰ - برنامه‌های این سالها را گروه هنری نمایشی با عده‌ای از هنرمندان گوشه‌نشین مشهد، چون قنادان، سیاوشی، همایونی و ... ای از هنرمندان تهران با موفقیت بسیار به روی صحنه آوردند.

نمایش «کارمند شریف» اولین کار این گروه بود.

نمایشنامه بعدی آنها (برای شرف - اثر الکساندر شیروانزاده) نام داشت که وضع این گروه را از نظر جوامع روشنفکر تثبیت نمود.

در این سالها بر اثر بروز اختلافاتی در بین مؤسسين گروه، منوچهر سیاوشی تئاتر نادر را خریداری کرده و گروه نادر را گرد آورد و با خرید این نمایشنامه نمایشنامه‌های جالبی چون: مونتسرا - سیویل - درسایه‌حرم (اثر رضا کسائی‌سیرزاد) - دختر کاپاره - سه نقابدار - اتین و غیره را با موفقیتی چشمگیر به روی صحنه آورد.

۲/۲- اوج کارهای نمایشی جوانان و دانشجویان - سالهای ۱۳۴۰ - ۱۳۴۸

این سالها اوج کار گروه‌های نمایشی جوانان و دانشجویان با بهترین نمایشنامه‌های خارجی و ایرانی بود.

گروه‌های مختلف پا به عرصه وجود گذاشتند، که کارهای بی‌نظیری هم ارائه دادند.

از جمله می‌توان از گروه آپادانا نام برد که، محمد مطیع، داریوش ارجمند، منوچهر خادمزاده اعضای اصلی آنها تشکیل می‌دادند، و سرپرست آن خسرو هوشیار بود. این گروه نمایشنامه‌های زیر را اجرا نمودند:

سال اجرا	کارگردان	نویسنده	نام نمایش
۱۳۴۲	منوچهر خادمزاده	خسرو هوشیار	۱- ناگسستنی
۱۳۴۴	منوچهر خادمزاده	خسرو هوشیار	۲- مادر

سال اجراء	کارگردان	نویسنده	نام نمایش
۱۳۴۵	منوچهر خادم‌زاده	صادق هدایت	۳- داش آکل
۱۳۴۶	منوچهر خادم‌زاده	گوهر مراد	۴- دست بالای دست
۱۳۴۷	منوچهر خادم‌زاده	-	۵- ستاره و رمضان
۱۳۴۸	منوچهر خادم‌زاده	انی‌تدور کاسونا	۶- کتک‌خورده و راضی
۱۳۴۸	داریوش ارجمند	خسرو هوشیار	۷- اوج
۱۳۴۸	داریوش ارجمند	رضا دانشور	۸- یکبار دیگر ابوزر
۱۳۴۸	داریوش ارجمند	ادنا سنت وینست	۹- آریا داکاپو
۱۳۴۸		می‌له‌ی	
۱۳۴۸	خسرو احمدی	سگی در خرمن‌جا نصرت‌الله نویدی	۱۰-

ضمناً در سال ۱۳۴۸ مدال نقره بازیگری توسط دکتر رهنما، وزیر وقت علوم و آموزش عالی به داریوش ارجمند به‌خاطر بازی در نمایش «سگی در خرمن‌جا» در مسابقات هنری رامسر داده شد.

گروه پارت نیز یکی از گروه‌های فعال این دوره بوده است. سرپرستی این گروه را داود کیانیان به‌عهده داشته است. نمایش‌های عمده این گروه که دارای موفقیت بوده به شرح زیر است.

نام نمایش	نویسنده	کارگردان
۱- مطرود	داود کیانیان	داود کیانیان
۲- ازپا نیفتاده‌ها	گوهر مراد	محمدتقی رفقی
۳- ویلن‌ساز کره مونا	فرانسوا کوپه	داود کیانیان

گروه آرش به سرپرستی منصور همایونی نمایش‌های «مشهدی عباد و آرشین مالان» را برای اولین بار یا اجرای بی‌نظیری به صحنه آوردند. این سالها نیز اوج کارهای منصور همایونی بود. تئاتر دانشگاه راه، عباس غریب، اصغر رستگار و ایرج صفیری راه می‌بردند و کارهای ترجمه شده خوبی هم اجرا کردند.

در این سالها گروه‌های آزاد همچون گروه امیر قویدل و گروه نیرو هوایی نیز فعالیت داشتند.

گروه میترا به سرپرستی فریدون صلاحی، نمایش جذام، نوشته رضا صابری را با کارگردانی خسرو نیک‌آموز در تالار رازی برای اولین بار در سال ۱۳۴۶ به روی صحنه برد، که با موفقیتی کم‌نظیر روپرو شد.

کلا این دوره را می‌توان دوره پرتحرک گروه‌های آزاد که به‌تازگی شکل گرفته بودند و گروه‌های دانشجویی و دانش‌آموزی که در سطح بالائی کار می‌کردند، دانست. در پایان دوره می‌رسیم به سالهای ۴۸ - ۴۹ - سال افتتاح مرکز آموزش تئاتر

خراسان که به تدریج گروههای آزاد به گروههای منسجم تبدیل شدند و کارهای نمایشی قدرتمندی را که در سالهای ۴۰ تا ۴۸ اجرا نموده بودند به اضافه کارهای جدید در سالهای ۴۸ تا ۵۵ دوباره به روی صحنه بردند، که شرح آن در مبحث بعدی به طور مفصل آمده است.

گروههای نمایشی از سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۵.

این سالها را می توان در مشهد اوج کارهای تئاتری توسط گروههای منسجم دانست، هفت سال کوشش مستمر و پیگیر آنها که از ابتدای راه یا از اواسط راه با این کاروان همراه بودند، گویای این مطلب است.

چهار گروهی که به وجود آمدند و هنوز ادامه کار می دهند و چه آنهایی که بر اثر مرور زمان و اختلاف نظرها از هم پاشیدند.

به هر تقدیر با نگاهی به آمار این سالها در زمینه تئاتر به این مهم پی می بریم.

الف -

• گروه تئاتر رودکی - سرپرست: داریوش ارجمند (و بعد رضا صابری).

• بازیگران، آقایان: داریوش ارجمند - منصور همایونی - رضا رضاپور - رضا

صابری - انوشیروان ارجمند - فیروز صباغی - فریدون جیرانی - مهرداد تدین -

مصطفی هنرور - ایرج صفیری - محسن غفوری - حمید نقیب زاده - احمد حلوی -

محمد تقی نژاد - غلامرضا موسوی - عباس کاظمی - عباس ترابیان - علی اصغر

رمضان زاده - محمود رفائی - احمد رضا قوچانی - مهدی صابر - محمد باغشتی -

محمد صفار - مسعود فرزین - ناصر پیام - رضا جوان - علی آزادنیا - رضا کمال

علوی.

• خانمها: محبوبه بیات - رؤیا صابری - سروناز جهانی - فریبا محمودی -

طیبه جوانمردی - خجسته کاشانی - فرزانه کفائی رضوی - مینو گنجی - شهلا

یوسفیان -

• محلهای اجرا: تالار شیر و خورشید سرخ مشهد (هلال احمر کنونی) - تالار

اداره کل فرهنگ و هنر خراسان - تالار رازی - خانه نمایش - خانه فرهنگ شماره ۲.

• نمایشهای اجرا شده توسط گروه رودکی - از سال ۴۸ - ۵۵.

کارگردان

نویسنده

نام نمایش

داریوش ارجمند	ادنا سنت وینست میلهی	۱- آریا داکاپو
داریوش ارجمند	رضا دانشور	۲- ابوذر
داریوش ارجمند	احمد مسعودی	۳- خر با بار نمک
داریوش ارجمند	بهرام بیضائی	۴- در حضور باد
داریوش ارجمند	گوهر مراد	۵- چوب به دستهای ورزیل
داریوش ارجمند	گوهر مراد	۶- آی باکلاه - آی بی کلاه

- ۷- امیر ارسلان
 ۸- اردشیر شاه
 ۹- بیژن و منیژه
 ۱۰- عقل برتر از احساسات
 ۱۱- عصمت
 ۱۲- شبی که صبح نشد
 ۱۳- سد
 ۱۴- کلوخ
 ۱۵- تخت جمشید
 ۱۶- انفجار
 ۱۷- مرگ در پائیز
 ۱۸- آسید کاظم
 ۱۹- امتریپ تیز
 ۲۰- قلم عمه خانم
 ۲۱- نابغه‌ای از دودمان آریامنا
 ۲۲- ما نگران آقای یگانه هستیم
 ۲۳- رؤیا
 ۲۴- بیژن و منیژه
 ۲۵- سایه‌های بلنه
 ۲۶- موزیک
 ۲۷- باران در شب
 ۲۸- باغ آرزوها
 ۲۹- فرشته برف
- پرویز کاردان
 کورس سلحشور
 محمدعلی لطفی مقدم
 جی - استارگی
 رضا صابری
 جعفر والی
 محمدعلی لطفی مقدم
 لوئیس بیچ
 ابراهیم رهبر
 محمدعلی لطفی مقدم
 اکبر رادی
 محمود استاد محمه
 اسلاو میر مروژک
 گوردون داوپوت
 علی شجاعیان
 رضا صابری
 علی نصیریان
 محمدعلی لطفی مقدم
 رضا صابری
 سالتیکوف شچدرین
 حسین زاهدی
 پرویز بشردوست
 لوئیس جان کارلینو
- خسرو فوزین
 محمدعلی لطفی مقدم
 محمدعلی لطفی مقدم
 داریوش ارجمند
 داریوش ارجمند
 داریوش ارجمند
 داریوش ارجمند
 محبوبه بیات
 محبوبه بیات
 رضا صابری
 داریوش ارجمند
 رضا صابری
 داریوش ارجمند
 رضا صابری
 داریوش ارجمند
 داریوش ارجمند
 بیژن امکانیان
 رضا صابری
 داریوش ارجمند
 داریوش ارجمند
 داریوش ارجمند
 علی آزادنیا
 رضا کمال علوی
 رضا کمال علوی

ب -

- گروه تئاتر نیما - سرپرست: فریدون صلاحی (و بعد رضا رضاپور)
- محل‌های اجرا: باشگاه افسران - تالار نمایش اداره فرهنگ - تالار هلال احمر - تالار فردوسی مشهد - خانه نمایش.
- بازیگران، آقایان: فیروز صباغی - رضا صابری - رضا رضاپور - محسن خفوری - مصطفی هنرور - محمد باغشنی - رضا جوان - محمد تقی نژاد - احمد خازنی - علی حریری - ناصر پیام - مرتضی ناجی - عباس موسوی - داریوش ارجمند - علی‌اصغر رمضانزاده - رضا کاوسی - محمد صفار - محمود رفائی.
- خانمها: سیمین مهدویان - فرشته صبا - مینو گنجی - رؤیا صابری - خجسته

کاشانی.

• نمایشهای اجرا شده توسط گروه تئاتر نیما - سالهای ۴۸ - ۵۵

نام نمایش نویسنده کارگردان

فریدون صلاحی	گلن هیوز	۱- میخکهای سرخ
فریدون صلاحی	فردریک فری،	۲- تردید قانون
فریدون صلاحی	رضا صابری	۳- از دریچه‌ها
فریدون صلاحی	نادر راد	۴- روسری قرمز
فیروز صباغی	علی نصیریان	۵- بلبل سرگشته
مصطفی هنرور	اسماعیل خلج	۶- حالت چطوره مش‌رحیم؟
رضا رخسارپور	اسماعیل خلج	۷- پانداز
رضا صابری	اسماعیل خلج	۸- گلدونه خانم
فیروز صباغی	اسماعیل خلج	۹- پاتوغ
فریدون صلاحی	اقتباس: فریدون صلاحی	۱۰- تفنگ شکاری
بهمن نوائی	ژان پل سارتر	۱۱- روسپی بزرگوار
فریدون صلاحی	گوهر مراد	۱۲- ازپا نیفتاده‌ها
محمدعلی لطفی مقدم	شاهرخ روحانی	۱۳- نگار
		۱۴- مگس نیمه‌دانا-گرگ و چوپان
محمدعلی لطفی مقدم	محمدعلی لطفی مقدم	

ج -

• گروه تئاتر پارت - سرپرست: داود کیانیان.

• محلهای اجراء: خانه نمایش - تالار هلال احمر - تالار دبیرستان فروغ.

• بازیگران، آقایان: مهدی معدنی - احمد رضا آزاد - محسن قدیرزاده - داود

کیانیان - رضا کیانیان - کاظم حافظیان - محمود شاه‌علی - محمدتقی رفقی - خسرو

نیک‌آموز - حسین بیگی - علی کاشانی - مهدی یوسفیان - ناصر نیک‌آموز - محمد

حامد - رضا رخسارپور - حمید کیانیان - هادی قدیرزاده - وحید کیانیان - بهرام

خاراباف - علی میرعلائی - مسعود میرعلائی.

• خانمها: زهرا رضوی - میترا طهماسبی - مینو گنجی - رؤیا صابری -

ستاره منصوری.

• نمایشهای اجرا شده توسط گروه پارت - سالهای ۴۸ - ۵۵

نام نمایش نویسنده کارگردان

۱- اجاق‌کور	داود کیانیان	داود کیانیان
۲- باران	داود کیانیان	محمدتقی رفقی

داود کیانیان	بهرام بیضائی	۳- پهلوان اکبر میمیرد
داود کیانیان	داود کیانیان	۴- قصه پسران عمو صحرا
مهدی یوسفیان	گوهر مراد	۵- گرگها
خسرو نیک‌آموز	گوهر مراد	۶- ننه انسی
داود کیانیان	داود کیانیان	۷- قصه شهر سیاه
داود کیانیان	رکن‌الدین خسروی	۸- اسب سفید
داود کیانیان	داود کیانیان	۹- بچه‌ها و سنگها
		۱۰- آنکه گفت آری آنکه گفت نه
مهدی معدنی	برتولد برشت	۱۱- آنجا که ماهیها سنگ می‌شوند
محمود رفائی	خسرو حکیم رابط	۱۲- بازیها
محمد حامد	محمد حامد - محمد مرادپور	۱۳- قرعه برای خوره‌شدن
محمدباقر کلاهی‌اهری	اسلاو میر مروژک	۱۴- ۲×۲
داود کیانیان	داود کیانیان	۱۵- داد و بیداد
داود کیانیان	داود کیانیان	۱۶- استثناء و قاعده
محمود شاهعلی	برتولد برشت	

- د

- * گروه تئاتر آرش - سرپرست: منصور همایونی - (وبعد احمد میربازل)
- * محلهای اجراء: تالار هلال احمر - خانه نمایش - باشگاه افسران مشهد.
- * بازیگران، آقایان: داریوش ارجمند - رضا رضاپور - حمید نقیب‌زاده - عباس کاظمی - کمال غراب - محمود رفائی - رضا صابری - احمد میربازل - منصور همایونی - علی‌اصغر رمضانزاده - جلیل صابر - ایرج صغیری - فیروز صباغی - ناصر پیام - احمد خراسانی - انوشیروان ارجمند - مهدی صابر.
- * خانمها: پونه پیام - منصوره طاهری - مهین سیار - سروناز جهانی - محبوبه بیات - طوطی کوکلانی - رؤیا صابری - افسانه مستوفی - نیره خشنود - نونا خشنود.
- * نمایشهای اجرا شده توسط گروه آرش - سالهای ۴۸ - ۵۵

کارگردان	نویسنده	نام نمایش
منصور همایونی	پرویز صیاد	۱- مستاجر
	پرویز صیاد	۲- مردیکه مرده بود و خود میدانست
منصور همایونی		۳- بازگشت
منصور همایونی	امیرحسین مهرپور	۴- چاره‌جویی
منصور همایونی	منصور همایونی	

منصور همایونی	اورزبک حاجی بکلو	۵- آرشین مالالان
منصور همایونی	منصور همایونی	۶- نادر پسر شمشیر
		۷- جمفرخان از فرنگ برگشته
منصور همایونی	حسن مقدم	۸- زارع شیکاگو
منصور همایونی	مارک تواین	۹- معجزه
منصور همایونی	منصور همایونی	۱۰- مشهدی عباد
منصور همایونی	عزیز حاجی بیگف	۱۱- داماد عزیزم
منصور همایونی	منصور همایونی	۱۲- سرگذشت
منصور همایونی	امیرحسین مهرپور	۱۳- خانواده محمد آقا
منصور همایونی	منصور همایونی	۱۴- پنجمین قربانی
منصور همایونی	منصور همایونی	

- ه -

* گروه تئاتر مرکز آموزش تئاتر خراسان.

* سرپرست: محمدعلی لطفی مقدم - (پسپس داریوش ارجمند).

* محلهای اجراء: تالار هلال احمر - تالار رازی - خانه نمایش.

* بازیگران، آقایان: رضا رضاپور - محسن غفوری - مهدی یوسفیان - فیروز

صباغی - رضا صابری - اصغر رمضانزاده - حمید نقیبزاده - عباس کاظمی -

احمد حلوی - مهرداد تدین - محمود رفائی - محمد تقی نژاد - شاهپور مهاجر -

مسعود فرزین - محمد صفار - بیژن امکانیان - تیمور قهرمان - انوشیروان ارجمند

رضا توسی - علی سوزنچی - مصطفی هنرور - علی آزادنیا - علی حلیمی -

* خانمها: الهه اسلام کیش - مژگان رحمتی - فاطمه بازیار - سروناز جهانی -

شہلا جلایر - رؤیا صابری - محبوبه بیات - طوطی کوکلانی - فریبا خالدی - مریم

کفائی - شہلا عزتی - گیتا رامتین - منیره خیرستند - سپیده خضوعی - سعیده

خضوعی - فریبا داودی -

* نمایشهای اجرا شده توسط گروه مرکز آموزش تئاتر خراسان سالهای ۴۸ - ۵۵

کارگردان

نویسنده

نام نمایش

محمدعلی لطفی مقدم	محمدعلی لطفی مقدم	۱- افسانه دیروز
خسرو نیک آموز	رضا صابری	۲- چدام
		۳- سیاه زنگی، مرد فرنگی، دایره زنگی
محمدعلی لطفی مقدم	پرویز کاردان	۴- قالی زمان
محبوبه بیات	محمدعلی لطفی مقدم	۵- چشم در برابر چشم
احمد حلوی	گوهر مراد	۶- پیک نیک
محمدعلی لطفی مقدم	احمد توربخش	

مهدی یوسفیان-فیروز	محمدعلی لطفی	۷- میراث
صباغی		
محمدعلی لطفی مقدم	محمدعلی لطفی مقدم	۸- تیمسار تنها
احمد حلوی	آندره پل آنتوان	۹- محکوم به اعدام
احمد حلوی	ابراهیم رهبر	۱۰- باغ
غلامرضا افسری پور	اکبر رادی	۱۱- مسافران
محمدعلی لطفی مقدم	محمدعلی لطفی مقدم	۱۲- تمارف
محمدعلی لطفی مقدم	رضا عسگری	۱۳- همسر
محمدعلی لطفی مقدم	صادق چوبک	۱۴- توپ
محمدعلی لطفی مقدم	صادق چوبک	۱۵- رسن
		۱۶- یعقوب لیث پلنگه
		تیمروز
محمدعلی لطفی مقدم	کورس سلحشور	۱۷- افعی طلائی
محمدعلی لطفی مقدم	علی نصیریان	۱۸- خودکشی
محمدعلی لطفی مقدم	آنتوان چنوف	۱۹- دشمنان
غلامرضا موسوی	ارکادی لئوکوم	۲۰- تابلوی فریاد
مهرداد تدین	مهرداد تدین	۲۱- تابلوهای آینه
مهرداد تدین	مهرداد تدین	۲۲- ایاس
داریوش ارجمند	رضا صابری	۲۳- بامها و زیر بامها
علی حمیدی	گوهر مراد	۲۴- علامت سؤال
انوشیروان ارجمند	محمود کیانوش	۲۵- ایستگاه
انوشیروان ارجمند	انوشیروان ارجمند	۲۶- شایدهی باید
علی آزادنیا، ۱	ک - امین	

۲/۴- سکون، سردرگمی، کارهای خیابانی - سالهای ۱۳۵۵ - ۱۳۵۷

در این سالها به جز نمایش ایاس نوشته رضا صابری، به کارگردانی داریوش ارجمند و نیز اجرای قوی «رامرودیها» نوشته رضا صابری و رضا داتشور و کارگردانی رضا صابری که توفیقی داشتند، کمتر نمایشی اجرا شد. ضمن اینکه نمایشنامه رامرودیها در جشنواره سوم تئاتر شهرستان در فروردین سال ۵۷ مقام اول را کسب کرد.

در سال ۵۷ با اوج گرفتن انقلاب اسلامی، سکوت و سردرگمی بر تئاتر خراسان حاکم شد.

۱- رضا صابری، کارنامه جلد ۱ و ۲، مرکز آموزش تئاتر خراسان، چاپ چاپخانه پارت، ۱۳۵۲ - ۱۳۵۶ - صفحات بخش تئاتر.

در این سال گروه تئاتر پارت چند نمایش خیابانی، کارگری را ارائه داد، که فهرست آن از نظر تان می‌گذرد.

نام نمایش	نویسنده	کارگردان
۱- داستان زندگی يك روز يك افسر عالی‌رتبه ارتش (خیابانی)	رضا کیانیان	رضا کیانیان
۲- داد و بی‌داد	داود کیانیان	داود کیانیان
۳- پیوندتان مبارک (اجرا در تهران، مشهد و شهرستانهای شمال)	داود کیانیان	رضا یثربی - داود کیانیان
۴- امپریالیسم هم اینجاست ۵- عید خونین، (کارگری- دهقانی - خیابانی)	رضا کیانیان	رضا کیانیان

۴- نمایش بعد از انقلاب اسلامی در مشهد

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران گروههای وابسته به فرهنگ و هنر، گروههای چپ، گروههای لیبرال و هر گروهی از هر قشری، زمان را مناسب دیده و با هر نوع نمایش ایرانی و خارجی، موافق و مخالف و با شعار آزادی که حتی قسمتی از عنوان نمایشهایشان را تشکیل می‌داد، چهره تئاتر خراسان را در این سالها رقم زدند.

در ابتدای این سالها کلیه نمایشنامه‌های غلامحسین ساعدی و تمامی نمایشنامه‌های ممنوعه زمان شاهنشاهی با سرعت هرچه تمامتر يك به يك روی صحنه رفت، گوئی زمان به سرعت می‌گریخت و شاید دیگر وقتی برای اجرای آنها پیدا نمی‌شد. ولی به‌رحال تئاتر بعد از انقلاب اسلامی در ابتدای امر فضا و موقعیتی، مناسب برای رشد و تعالی گروهها داشت اما متأسفانه تحت تأثیر گروههای چپ قرار داشت و لکن امروزه کلیه گروهها تحت نظارت اداره ارشاد اسلامی و مستقیماً زیر نظر واحد نمایش آن به‌کار ادامه می‌دهند.

از ابتدای سال ۶۰ گروههای تئاتر انجمنهای اسلامی مساجد و ارگانهای مختلف رخ نمود و یا رنگ و بوی مذهبی، تئاتر يك جامعه اسلامی را رقم زد، اوایل با کارهایی ساده و بدون تجربه و حال با شکلی بهتر و عمیقتر. اکنون می‌پردازیم به نمایشهای اجرا شده در سالهای بعد از انقلاب از آغاز تا کنون.

۳/۱- گروه‌های نمایشی مختلف - سالهای ۱۳۵۷ - ۱۳۶۰

سال اجرا	نام گروه	نام کارگردان	نویسنده	نام نمایش
۱۳۵۷	دانشکده پزشکی مشهد	_____	_____	۱- جشن خون
۱۳۵۸	_____	کمال‌الدین غراب	کمال‌الدین غراب	۲- حج ابراهیم - حج عاشورا
۱۳۵۸	ارشاد اسلامی	رضا صابری	رضا صابری و رضا دانشور	۳- راس و دیبا
۱۳۵۸	طلوع	رضا کمال علوی	رضا کمال علوی	۴- قابیل
۱۳۵۸	ارشاد اسلامی	محمد مهاجر	گوهر مراد	۵- دیگه
۱۳۵۸	ارشاد اسلامی	رضا صابری	بهرام پیشانی	۶- سرگه یزیدگرد
۱۳۵۸	پارت	داود کیانیان	داود کیانیان	۷- پیوندگان مبارک
۱۳۵۸	ارشاد اسلامی	انوشیروان ارجمند	گوهر مراد	۸- هوپ بندستهای و روزیل
۱۳۵۸	ارشاد اسلامی	محمد مهاجر	محمد مهاجر	۹- قیام
۱۳۵۸	ارشاد اسلامی	محمد مهاجر	محمد مهاجر	۱۰- دیدار (اون آقا کیه؟)
۱۳۵۸	ارشاد اسلامی	رضا کیانیان	رضا کیانیان	۱۱- سرگه بس آسیکا
۱۳۵۹	پارت	رضا کیانیان	گوهر مراد	۱۲- زاریه
۱۳۵۹	طلوع	محمد رضا رفائی زوارزاده	محمد رضا رفائی زوارزاده	۱۳- کوخ شینبیا
۱۳۵۹	بنیاد شهید	محمد رضا رفائی زوارزاده	محمد رضا رفائی زوارزاده	۱۴- چگونگی انقلاب شده
۱۳۵۹	کانون اسامت	محمد رضا رفائی زوارزاده	انوشیروان ارجمند	۱۵- رله گفته
۱۳۵۹	ارشاد اسلامی	انوشیروان ارجمند	انوشیروان ارجمند	۱۶- تیر بارازی
۱۳۵۹	ارشاد اسلامی	حسن حامد	حسن حامد	۱۷- رجب به اکابر می‌رود
۱۳۵۹	ارشاد اسلامی	احمد رضائیان	احمد رضائیان	۱۸- پیشفت
۱۳۵۹	ملاک احمد	احمد رضائیان	احمد رضائیان	۱۹- نبضت سربداران
۱۳۵۹	ارشاد اسلامی	محمد مهاجر	_____	

۱۳۵۹	ارشاد اسلامی	محمد مهاجر	محمد مهاجر	۲۰ - لحظه موعود
۱۳۵۹	ارشاد اسلامی	محمد مهاجر	محمد مهاجر	۲۱ - بت اصنام الراء
۱۳۶۰	نهضت سوادآموزی	محسن دورانپیش	جواد نسیمی	۲۲ - پیرهای کافذی
۱۳۶۰	طلوع	رضا کمال علوی	رضا طوسی	۲۳ - اینها چماق دارند شاه توله‌ها
۱۳۶۰	مالك اشتر	حمیدرضا سپیلی	رضا صابری	۲۴ - ظهور و سقوط استبداد ۲۵ -
۱۳۶۰	ارشاد - نیروی موانی	رضا صابری	بهروز فریب‌پور	۲۶ - کوراعلی چلی‌بل زمین زمین
۱۳۶۰	ارشاد اسلامی	رضا سعیدی	حسن حامد	۲۷ - تنها سلج
۱۳۶۰	ارشاد اسلامی	حسن حامد	محمد مهاجر	۲۸ - مجموعه پنج نمایش ۲۹ - راه
۱۳۶۰	ارشاد اسلامی	محمد مهاجر	محمد مهاجر	
۱۳۶۰	ارشاد اسلامی	محمد مهاجر	محمد مهاجر	

۳/۲ - گروه‌های نمایشی وابسته به ارشاد اسلامی، مساجد و ارگانها - سالهای

۱۳۶۱ - ۱۳۶۶

سال اجراء	نام گروه	کارگردان	نویسنده	نام نمایش
۱۳۶۱	مالك اشتر	محمد رضا سپیلی	تاجبخش فناپیان	۱ - سورپریز

۱۲۶۱	دادسرا	بهرام سزای	حسن حامد	۲- غسنه‌الدنيا
۱۲۶۱	مالک اشتن	علیرضا برقی‌نژاد	حمیدرضا سبیلی	۳- آنانگه بر سکوت فریاد
۱۲۶۱	ارشاد اسلامی	رضا سعیدی	بهرام بیضانی	۴- زودند -
۱۲۶۱	مالک اشتن	حمیدرضا سبیلی	حمیدرضا سبیلی	۵- چهار صندوق
۱۲۶۱	ارشاد اسلامی	(محمد الهی و رضا سعیدی)	(محمد الهی و رضا سعیدی)	۶- حساسه پیک شهید
۱۲۶۱	ارشاد اسلامی	رضا سعیدی	احمد مینائی	۷- شکست خورده‌ها
۱۲۶۱	ارشاد اسلامی	رضا صابری	رضا صابری	۸- با شمشیر تنزیه
۱۲۶۱	ارشاد اسلامی	رضا صابری	رضا صابری	۹- خانان
۱۲۶۱	ارشاد اسلامی	رضا صابری	رضا صابری	۱۰- کلار که
۱۲۶۱	ارشاد اسلامی	رضا صابری	رضا صابری	۱۱- کدایک
۱۲۶۱	ارشاد اسلامی	رضا صابری	رضا صابری	۱۲- ایوزر
۱۲۶۱	ارشاد اسلامی	رضا صابری	رضا صابری	۱۳- صراط
۱۲۶۱	ارشاد اسلامی	رضا صابری	رضا صابری	۱۴- دری که کوبه نداشت
۱۲۶۱	ارشاد اسلامی	رضا صابری	رضا صابری	۱۵- موسی و فرعون
۱۲۶۱	ارشاد اسلامی	رضا صابری	رضا صابری	۱۶- فریاد
۱۲۶۱	ارشاد اسلامی	رضا صابری	رضا صابری	۱۷- آنکه روز آزمون سر
۱۲۶۲	ارشاد اسلامی	رضا صابری	رضا صابری	۱۸- تراشید
۱۲۶۲	ارشاد اسلامی	رضا صابری	رضا صابری	۱۹- شب بیست و یکم
۱۲۶۲	ارشاد اسلامی	رضا صابری	رضا صابری	۲۰- سید
۱۲۶۲	ارشاد اسلامی	رضا صابری	رضا صابری	۲۱- مظلوم پنجم
۱۲۶۲	ارشاد اسلامی	رضا صابری	رضا صابری	۲۲- حساسه‌العالم
۱۲۶۲	ارشاد اسلامی	رضا صابری	رضا صابری	۲۳- چلک

۱۲۶۲	دادسرا	داود کیاپیان	۲۲- صدبار اگر توبه
۱۲۶۳	ارشاد اسلامی	علی آزادنیا	شکستی بازار
۱۲۶۳	ارشاد اسلامی	فیروز صباهی	۲۳- خروس گری
۱۲۶۳	طلیح	رضا کمال علوی	۲۴- بعضی‌ها اینجورین
۱۲۶۳	ارشاد اسلامی	علی آزادنیا	۲۵- طوبی
۱۲۶۳	ارشاد اسلامی	تیمور قهرمان	۲۶- حدیث رفتن
۱۲۶۳	ارشاد اسلامی	حسن حامد	۲۷- حکایت ابوقحیف
۱۲۶۳	ارشاد اسلامی	رضا سعیدی	۲۸- بازی شبانه
۱۲۶۳	ارشاد اسلامی	علی آزادنیا	۲۹- در شمش خبری نیست
۱۲۶۳	ارشاد اسلامی	رضا سعیدی	۳۰- باغ انگوری
۱۲۶۳	ارشاد اسلامی	رضا سعیدی	۳۱- زمین‌لرزه
۱۲۶۳	ارشاد اسلامی	محمد مهاجر	۳۲- روایتگران سنخ
۱۲۶۳	ارشاد اسلامی	جواد اردکانی	۳۳- در ژرفای جدال
۱۲۶۳	ارشاد اسلامی	جواد اردکانی	۳۴- رمز پیروزی
۱۲۶۳	ارشاد اسلامی	محمد سعید	۳۵- قاعدین
۱۲۶۳	ارشاد اسلامی	غلامحسین عاگنی	۳۶- تریاق
۱۲۶۳	ارشاد اسلامی	د کار: گروهی انجمن اسلامی	۳۷- حاجت
۱۲۶۴	ارشاد اسلامی	حسن حامد	۳۸- میلیتها
۱۲۶۴	ارشاد اسلامی	رضا سعیدی	۳۹- پادپان
۱۲۶۴	ارشاد اسلامی	غلامرضا سالم	۴۰- زرو کارش تومبه
۱۲۶۴	ارشاد اسلامی	جواد اردکانی	۴۱- ابوزیسون
۱۲۶۴	ارشاد اسلامی	حسن حامد	۴۲- بازی شبانه

۱۳۶۴	دادسا	حمیدرضا سپهلی	حمیدرضا سپهلی	۴۳- بنگر بر این قیاس
۱۳۶۴	سازمان تبلیغات	جواد ارده‌کانی	جواد ارده‌کانی	۴۴- پیشه‌پاد
۱۳۶۴	دادسا	حمیدرضا سپهلی	حمیدرضا سپهلی	۴۵- تارتن
۱۳۶۴	دادسا	داره گیانیان	داره گیانیان	۴۶- حق‌الیقین
۱۳۶۵	ارشاد اسلامی	انوشیروان ارجمند	حمیدرضا اعظم	۴۷- شکرده آخر
۱۳۶۵	ارشاد اسلامی	خسرو نایبی‌نرد	خسرو نایبی‌نرد	۴۸- حسن نگو به دسته‌کل
۱۳۶۵	جهاد سازندگی	حمید طباطبائی	حمید طباطبائی	۴۹- خط‌کور
۱۳۶۵	نهضت سوادآموزی	محمدرضا پوستچی	محمدرضا پوستچی	۵۰- عینک
۱۳۶۵	سازمان تبلیغات	حمیدرضا سپهلی	جواد ارده‌کانی	۵۱- امام
۱۳۶۵	بهار آزادی	سعید رسولزاده	سعید رسولزاده	۵۲- این قصه بس دراز داره
۱۳۶۵	سازمان تبلیغات	سعید سپهلی	سعید سپهلی	۵۳- آینه در عاک
۱۳۶۶	ارشاد اسلامی	محمد مهاجر	محمد مهاجر	۵۴- بهشت من اینجا
۱۳۶۶	جهاد دانشگامی	احمد رضائیان	احمد رضائیان	۵۵- ترازوی دود
۱۳۶۶	دادسا	داره گیانیان	داره گیانیان	۵۶- چوپ دوس ملا

روش‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 نشریات
 فصلنامه کاتر

۴- مشهد و جشنواره سراسری تئاتر فجر

از اولین جشنواره سراسری تئاتر فجر در سال ۱۳۶۱ تا پنجمین جشنواره آن که بهمن‌ماه ۱۳۶۵ به پایان رسید، تئاتر مشهد همواره یکی از شرکت‌کنندگان پرو پاقرص آن بوده است.

در این بخش حضور فعال تئاتر مشهد را در پنج دوره جشنواره سراسری تئاتر فجر بررسی می‌کنیم.

لازم به یادآوریست که در این قسمت صرفاً به نمایشهایی که از مشهد شرکت کرده و جایزه گرفته‌اند، اشاره شده است.

* نخستین جشنواره - سال ۱۳۶۱

* نمایشنامه‌های شرکت داده شده از مشهد:

نام نمایش	نویسنده	کارگردان	نام گروه
۱- خانات	رضا صابری	ارشاد اسلامی	
۲- با شمشیر تمزیه	احمد مینائی- رضا سعیدی	ارشاد اسلامی	
۳- شکست‌خورده‌ها	محمد الهی	ژاندارمری	

* جوایز جشنواره:

- * جایزه، اول کارگردانی: رضا صابری - بخاطر نمایش «خانات»
- * جایزه، اول بهترین متن: رضا صابری - بخاطر نمایش «خانات»
- * جایزه، مدال مخصوص جشنواره: به نمایش «خانات» به‌مفهوم مطلق.
- * جایزه، لوح زرین جشنواره: به بازیگر «خانات» علی آزادنیا.
- * دومین جشنواره - سال ۱۳۶۲
- * نمایشنامه‌های شرکت داده شده:

نام نمایش	نویسنده، کارگردان	نام گروه
۱- مظلوم پنجم	رضا صابری	ارشاد اسلامی-نیروی هوایی
۲- بعضی‌ها اینجورین	فیروز صباغی	ارشاد اسلامی

* جوایز جشنواره:

- * نمایش دوم جشنواره: «مظلوم پنجم» جایزه دوم.
- * جایزه بهترین بازیگران: رضا سعیدی در نمایش «مظلوم پنجم» - فیروز صباغی در نمایش «بعضی‌ها اینجورین» مشترکاً نفر دوم بازیگری.
- * بهترین متن: مظلوم پنجم، مشترکاً اول - جایزه مخصوص.
- * بهترین کارگردانی: رضا صابری مشترکاً اول - جایزه مخصوص.
- * بهترین نمایش به‌مفهوم مطلق: ۱- انتخاب نشده‌است - ۲- «مظلوم پنجم» برنده جایزه دوم -

- * جایزه ویژه هیئت داوران: به نمایش «بعضی‌ها اینجورین» از فیروز صباغی.
- * جایزه دفتر تبلیغات: به بهترین متن - «مظلوم پنجم» مشترکاً ۱۲۰۰۰۰ ریال.
- * جایزه جهاد سازندگی: به بهترین متن - «مظلوم پنجم» مشترکاً ۱۰۰۰۰۰ ریال.
- * جایزه ویژه جهاد دانشگاهی: به نمایش «مظلوم پنجم».
- * جایزه ویژه سیمای جمهوری اسلامی ایران: به دومین کار به مفهوم مطلق «مظلوم پنجم» رضا صابری.

• سومین جشنواره - سال ۱۳۶۳

- * مراسم گشایش، با نمایش «صد بار اگر توبه شکستی بازآ» - کار گروه هنری دادسرای انقلاب اسلامی مشهد، و نمایش اول جشنواره زندانهای کل کشور - نویسنده و کارگردان: داود کیانیان.
- ۱- بازی شبانه - نویسنده و کارگردان: حسن حامد - ارشاد اسلامی مشهد.
- ۲- در شهر خبری نیست - نوشته: رضا رستمیان - کارگردان: رضا سعیدی - کار گروه ارشاد اسلامی مشهد.

• چهارمین جشنواره - سال ۱۳۶۴

- * نمایشهای شرکت داده شده:
- ۱- بادبان - نوشته: د - خاکزاد - کارگردان: رضا سعیدی - گروه ارشاد اسلامی.
- ۲- میلیترها - نویسنده و کارگردان: حسن حامد - گروه: ارشاد اسلامی خراسان.
- ۳- پیشنهاد - نویسنده و کارگردان: جواد اردکانی - گروه: سازمان تبلیغات.
- * جوایز جشنواره:

- * جایزه بهترین هنرپیشه اول مرد: به فیروز صباغی - در نمایش پیشنهاد.
- * جایزه مخصوص جشنواره، به برگزیده طراحی صحنه: نمایش «پیشنهاد».

• پنجمین جشنواره - سال ۱۳۶۵

- * شگرد آخر - نوشته: حمیدرضا اعظم - کارگردان: انوشیروان ارجمند - کار گروه تئاتر، ارشاد اسلامی خراسان.
- * جوایز جشنواره:

- * جایزه بهترین کارگردان: انوشیروان ارجمند - نفر اول.
- * مدال مخصوص جشنواره جایزه خلاقیت‌های ویژه در نمایش «شگرد آخر» به طراح لباس و هماهنگ‌کننده ریتم: خسرو نایبی‌فرد و رضا سعیدی.
- * نمایش شگرد آخر بتوان نمایش برگزیده جشنواره مشترکاً. ۱۰۰۰۰۰

۵- گفتگو با پیشکسوتان تئاتر مشهد

این بخش، شامل گفتگو با عزیزانی است که بار ۲۶ سال تئاتر خراسان را همواره و در همه جا بر دوش کشیده‌اند و بعدها آنها به جواترها سپرده و رفته‌اند. در اینجا باید یادآور شوم که، بسیار خرسند بودم اگر پیشکسوتانی چون، اصغر قفقازی - محمد مطیع - فیروز صبافی - و خانمها محبوبه بیات - رؤیا صابری و دیگران، که با هر کدام به‌علتی برقراری تماس و برگزاری مصاحبه میسر نشد، در این بخش سخنی می‌رفت.

۱/۵- منصور همایونی

وی به سال ۱۳۱۲ در شهر بجنورد، یکی از شهرهای استان خراسان به دنیا آمد، ولی بیشتر عمر خود را در مشهد سپری کرد و اصولاً ساکن این شهر است. دوران تحصیل را در مشهد و دوره تئاتر پروفسور داویدسون و دوره تئاتر هنرستان هنرپیشگی را در دانشکده هنرهای دراماتیک تهران گذرانده است.

مشاغل وی در اداره کل فرهنگ و هنر خراسان از این قرار بوده: سرپرست اداره امور ادبی و هنری، مسئول نمایشگاهها، هنرآموز تئاتر در دانشسرای هنر منطه (به مدت سه سال) و سرپرست مرکز آموزش تئاتر مشهد، و فعلاً در یکی از دبیرستانهای مشهد دفتردار است.

* لطفاً دوران تئاتری خود را شرح دهید؟

به عنوان آماتور کار نمایش را از سال ۱۳۳۰ و در زمان تحصیل در دبیرستان شاهرزای مشهد (دکتر شریعتی فعلی) شروع و کار حرفه‌ای در تئاتر را از سال ۱۳۳۶ و در تئاتر نادر مشهد آغاز کردم.

زمان کار حرفه‌ایم از سال ۱۳۳۶ تا ۱۳۴۵ به طول انجامید. بعداً به خدمت فرهنگ و هنر درآمدم و فعالیت‌هایم در چهارچوب برنامه‌های این اداره شکل گرفت، روی هم رفته ۱۱ سال آماتور بوده‌ام و ۹ سال حرفه‌ای، که ۴ سال آن در تهران گذشت. سپس در چهارچوب گروههای تئاتر فرهنگ و هنر فعالیت داشته‌ام، (این دوره ۱۱ سال طول کشیده است). کار آماتوری تئاتر ابتدا قبل از رفتن به دبیرستان با بچه‌های هم‌محل که عصرها دوز هم جمع می‌شدیم، شروع شد و سپس وارد دبیرستان شدم و این فعالیت با اجرای نقش خوابگزار و کارگردانی در یک نمایش فانتزی (بنام خوابهای طلایی) صورت کاملاً جدی به خود گرفت. سال (۱۳۳۰) و سپس با اجرای نقش «بونل» در نمایش «کارمند شریف»، اثر الکساندر بیسون کار حرفه‌ای‌ام در تئاتر نادر مشهد شروع شد، زمستان (۱۳۳۶).

اولین کار تئاتریم در تهران با نقش یک «ژینگولو» در نمایشنامه «حساب‌زندگی»، نوشته رضا همراه در تئاتر تهران آغاز شد. فعالیت‌های تئاتری من تا پایان آبانماه

سال ۱۳۵۶ ادامه یافت و از آن تاریخ به علت بیماری و سپس ناساعد بودن شرایط ر محاق تعطیل قرار گرفت. آخرین نقش من «جعفرخان» در نمایشنامه معروف جعفرخان از فرنک برگشته، اثر حسن مقدم بود. در کار نمایش، غیر از بازیگری، کارگردانی و نمایشنامه نویسی را نیز بعهده داشتم. در سالهای زیر سرپرست گروه تئاتر مانی (۱۳۳۰-۱۳۳۶) - گروه تئاتر حرفه‌ای نادر (۱۳۲۷-۱۳۳۸) - گروه تئاتر شهرزاد (۱۳۴۶-۱۳۴۹) - گروه تئاتر آرش (۱۳۴۹-۱۳۵۶) - بوده‌ام. تاکنون چند نمایشنامه نوشته‌ام، از جمله: پنجمین قربانی - نادر پسر شمشیر - چاره‌جویی و... نمایشنامه‌هایی که از من به صحنه رفته، به‌عنوان کارگردان، دهها نمایشنامه است، و به‌عنوان نویسنده پنج تا شش نمایشنامه در کار حرفه‌ای، و در کار آماتور ۱۰ نمایشنامه. در تلویزیون، به‌عنوان کارگردان ۳ نمایشنامه از من ضبط شده است. در مورد چاپ نمایشنامه‌هایم باید بگویم، هیچ نمایشنامه‌ای از من به چاپ نرسیده، ولی جزوه کوچکی به نام «سرگذشت نمایش در مشهد» در سال ۱۳۴۷ توسط فرهنگ و هنر خراسان چاپ و منتشر شده است. با گروههای تئاتری در قبل از انقلاب در کلیه جشنواره‌های تئاتر شهرستانها تا سال ۱۳۵۷ که در تهران برگزار می‌شد، شرکت داشتم و در نمایشنامه («سایه‌های بلند، نوشته رضا صابری و کارگردانی داریوش ارجمند») در تئاتر ۲۵ شهریور سابق بازی کرده‌ام.

از نخستین گروههای تئاتری در مشهد و سالنهایی که در آن شروع به کار کردند، در جزوه‌ایکه تحت عنوان «سرگذشت نمایش در مشهد» در سال ۱۳۴۷ منتشر کردم یاد شده است و کار گروههای تئاتری قبل از شهریور ۱۳۲۰ از (۱۲۹۹) را کاملاً شرح داده‌ام و سالنهای تئاتر مشهد را که فعلاً وجود ندارند تشریح کردم، ولی خودم در سالنهای دبیرستان شامرضا و فردوسی مشهد، سالن باشگاه افسران، شیر و خورشید سابق (هلال احمر فعلی) تئاتر نادر در مشهد و تئاتر گلشن مشهد بازی کرده‌ام. از تالار رازی دانشکده پزشکی هم چندین بار به‌عنوان بازیگر و کارگردان استفاده کرده‌ام.

• آیا در کار سینما هم شرکت داشته‌اید، علت آن چه بوده است؟

در چند فیلم ۸ و ۱۶ میلیمتری کار کرده‌ام، و علت آن، علاقه‌مندی و کسب تجربه بازیگری در فیلم برای خودم و کمک به جوانان فیلمسازی که در این راه به کمک بازیگری من نیاز داشتند، بود.

• وضعیت کنونی تئاتر مشهد را چگونه می‌بینید و اگر پیشنهادی برای بهبود آن دارید، بفرمائید.

من فعلاً تئاتری نمی‌بینم... به قول دوستی که می‌گفت: تئاتر مانند پیانوست، که اگر گربه‌ای به‌ناگاه از روی شامسی‌های آن رد شود نوائی برمی‌خیزد ولی این نوا هیچگاه آهنگ علمی و موزونی نیست که يك استاد می‌نوازد، وضع ما فعلاً اینچنین است، متأسفانه. اما پیشنهاد من برای بهبود وضع کنونی، فعلاً در اصل مسأله حرف است تا چه رسد به فرغش... به مصداق کلام حافظ (... خواجه در فکر نقش ایوان

است)، با اینهمه پیشنهاد من عبارتست از ایجاد آزادی متعارف و منطقی فکر در نوشتن نمایشنامه و به صحنه بردن آن، کوتاه کردن دست افراد سودجو و فرصت طلب و بی اطلاع از هنر تئاتر، استمالت از هنرمندان واقعی تئاتر و ارج نهادن به آنان، روشن نمودن شرکت خواهران در نمایشنامه‌ها از لحاظ شرعی، چون اجرای نمایشنامه بدون زن معنی ندارد، زیرا زن هم عضو اصلی جامعه و زندگی است و حذف وی امکان ندارد.

۵/۲- محصلی لطفی مقدم

در سال ۱۳۱۵ در سبزوار به دنیا آمد و مراحل تحصیلی خود را (ابتدائی و سیکل) در سبزوار - متوسطه در مشهد - و دانشکده هنرهای دراماتیک را در تهران سپری کرد.

وی در شروع کار تئاتر، دانش آموز بوده و اکنون بازنشسته است.

* لطفاً دوران کار تئاتری خود را شرح دهید:

کار نمایش را از سبزوار و در سال ۱۳۳۳ شروع کردم، با نقش محصلی در نمایشنامه «مکافات».

کلا ۲۵ سال کار تئاتر کرده‌ام و آخرین نقشم در تئاتر به عنوان رابط در نمایشنامه «هرچه بگذرد» در سال ۱۳۵۵ بود.

با گروه تئاتر سبزوار و بعداً با گروه دانشجویان هنرهای دراماتیک و گروه مرکز آموزش تئاتر مشهد همکاری داشته‌ام.

در کار نمایش غیر از بازیگری، نویسندگی و کارگردانی نیز کرده‌ام. ضمناً مدتی سرپرست مرکز آموزش تئاتر مشهد نیز بوده‌ام.

نمایشنامه‌هایی که تاکنون نوشته‌ام، عبارتند از: افسانه دیروز - انفجار تیمسار تنها - بیژن و منیژه، که همه آنها به صحنه رفته است، و یکی از آنها در تلویزیون ضبط شده و تاکنون هیچیک از آنها به چاپ نرسیده است.

با گروههای تئاتر گرگان و تئاتر مشهد در جشنواره‌های قبل از انقلاب اسلامی شرکت کرده‌ام.

من کارم را از سال ۱۳۴۸ در مشهد، آغاز و با تأسیس مرکز آموزش تئاتر و از راه تعلیم به علاقه‌مندان ادامه دادم و بعداً هفت گروه تئاتری به وسیله هنرمندان قدیم و جدید تشکیل دادم.

* در کار سینما هم شرکت داشته‌اید؟

در دو فیلم سینمایی بازی کرده‌ام، دایره مینا و گریز از شهر، که انگیزه‌ام از بازی در سینما بیشتر همکاری با گروههای هنری بوده است.

* لطفاً يك خاطره از دوران کار تئاتریتان تعریف کنید.

تئاتر تمام لحظاتهاش خاطره است، خاطره توأم با اضطراب، اضطراب توأم با لذت روحی.

ولی بهترین خاطره من از تابستان سال ۱۳۵۴ است که يك جشنواره تئاتر جوانان در مشهد با ابتکار شخصی و حتی هزینه شخصی خودم برگزار کردم و سراسر تابستان دانش‌آموزان سرگرم تمرین و اجرا بودند و از میان آنان هنرمندان خوبی به گروهها عرضه شد و استقبال چه از سوی هنرمندان و چه از طرف هنردوستان، واقماً شایان توجه بود.

• وضعیت کنونی تئاتر مشهد را چگونه می‌بینید و اگر پیشنهادی برای بهبود آن دارید، بفرمائید.

خیلی در جریان کارها نیستم، زیرا من بیشتر سعی دارم از طریق کلاسهای آموزشی خدمتم را ادامه بدهم، ولی تئاتر مشهد ذخائری دارد که مسلماً می‌تواند یا سرفرازی به‌کار خود ادامه دهد و در تئاتر ایران نقش عمده و اساسی دارد.

برای بهبود وضع کنونی باید عرض کنم که، بزرگترین مشکل تئاتر مشهد از قدیم و در حال حاضر نبودن يك سالن مجهز و ویژه تئاتر است، که هم تمرینهای نهائی و هم اجراها بدون مزاحمت در آن برگزار شود و من تعجب می‌کنم چرا برای مشهد در این مورد هیچ کاری نمی‌شود.

موضوع دوم نظارت هنری است که بایستی از سوی دست‌اندرکاران تئاتر که سابقه، تجربه و آگاهی کافی دارند، بر تمام گروهها اعمال شود.

اینک که تئاتر به‌عنوان يك اهرم قوی برای جهش فرهنگی شناخته شده است، بایستی کار به صورت متدیک و کلاسیک دنبال شود، به اعتقاد من بایستی در رشته‌های تحصیلی بعد از دوره راهنمایی رشته هنر گنجانده شود (نظیر دانشسراهای هنر که متأسفانه منحل شد) بایستی تئاتر و هنرهای دیگر به‌عنوان يك درس جدی و مهم از دوره راهنمایی ضمن تحصیل مطرح باشد.

تئاتر اینک می‌تواند جای اصلی خود را در جامعه ما باز یابد.

تئاتر اینک می‌تواند در متن زندگی مردم قرار گیرد، بایستی مردم به سوئی کشیده شوند که خودشان در هر گذر و هر محله يك تئاتر کوچک بنا کنند، آنچنان که مسجد و حسینیه بنا می‌کنند.

آیا فکر نمی‌کنید لازم است همانگونه که اینک در هر مسجد و حسینیه يك کتابخانه کوچک تعبیه می‌شود، يك آمفی‌تئاتر هم در کنار بنای آن قرار گیرد؟
آیا به اعتقاد شما، يك تئاتر اصیل بهتر از هزار سخنرانی، واقعه کربلا را بیان نمی‌کند؟

آیا سخنان حضرت علی(ع) و مفاهیم نهج‌البلاغه و یا قصص قرآن را در قالب تئاتر، بهتر نمی‌توان به خرد و کبیر تفهیم کرد؟

آیا زمان آن نرسیده که مساجد به‌جای اینکه محل توزیع سیگار و روغن نباتی باشد، مرکز اشاعه فرهنگ و عرضه هنر شود؟

آیا صحنه تئاتر يك محراب نیست.....؟ آیا تقدس صحنه تئاتر نبایستی احیا

آیا نباید به کودکی تئاتر (پنج قرن قبل از میلاد یونان) نظری بیندازیم که تئاتر مذهب بود و مذهب، تئاتر.....؟

انشاءالله.....

۳/۵- احمد میرپاژل

وی در سال ۱۳۰۳ در شهر مقدس مشهد به دنیا آمد. دوران تحصیل را در مشهد گذراند و شغل اصلی وی در شروع کار تئاتر معلمی بود و فعلاً دبیر بازنشسته آموزش و پرورش است.

* لطفاً دوران کار تئاتری خود را شرح دهید.

کار نمایش را از تشکیلاتی بنام ایران فیلم و حدوداً در سال ۱۳۲۴ شروع کردم، و بیش از سی سال کار تئاتر کرده و از سال ۵۷ کناره گیری نموده ام. اولین کارم در نمایشنامه ای بنام «ضحاک تازی» در نقش ضحاک بود در شرکت هنری ایران فیلم در سال ۲۳ یا ۲۴ و آخرین نقشم دقیقاً نمی دانم در نقش نادر پسر شمشیر یا در نقش کمندی مستخدم، در نمایشنامه جعفرخان از فرنگت بازی گردیده است.

در آن سالها با تئاترهای حرفه ای، گروههای اعزامی از تهران، و گروههای تئاتر نادر، آرش، و فردوسی در مشهد همکاری نمودم. در کار نمایش غیر از بازیگری در، کارگردانی، گریم، دکورسازی و تهیه لباس فعالیت داشته ام.

سرپرست گروههای آرش و فردوسی بوده ام.

نمایشنامه ای ننوشته ام و با گروههای تئاتری در هیچ جشنواره ای شرکت نکرده ام.

* در کار سینما هم شرکت داشته اید؟

بله. در فیلمهای پشت شیشه های مه آلود - رستم داستانم آرزوست و یکی دیگر در سالهای ۲۲ یا ۲۳ که نام آنها فراموش کرده ام و انگیزه ام، همان انگیزه‌ئی بود که اکثر بازیکنان تئاتر در ورود بسینما دارند.

* وضعیت کنونی تئاتر مشهد را چگونه می بینید و چه پیشنهادی برای بهبود آن دارید.

از حال و هوای کنونی تئاتر دور هستم و اگر پیشنهادی باشد، باید که دست اندرکاران فعلی تئاتر بنمایند ولی به عنوان یک دوستدار هنر و تئاتر عرض می کنم، کارها اعم از نمایشنامه و بازیگری باید که در جهت انسان سازی باشد، محبت باشد، عشق باشد.

۳/۴- ماشاله وحیدی

وی در سال ۱۳۰۰ در مشهد متولد شد، و دوران تحصیل را در مدرسه مدیر واقع در کوچه حوض لقمان، تا کلاس پنجم قدیم خواند.

شغل وی هنگام ورود به تئاتر در ادارهٔ تثبیت غله بود و اکنون مربی تئاتر و سرود در امور تربیتی آموزش و پرورش ناحیهٔ يك مشهد است.

* لطفاً دوران کار تئاتری خود را شرح دهید؟

من کار نمایش را از مشهد و در سال ۱۳۱۸ شروع کردم و ۴۸ سال کار تئاتر کرده‌ام و اکنون نیز مشغولم.

اولین نقش من در نمایش «قنود عرب» بود که نقش سلطان را بازی می‌کردم و آخرین نقشم در نمایشنامه بهلول به نقش بهلول بوده، نمایش کم‌دی (سال ۱۳۶۵) - باید عرض کنم که کلا با تئاترهای تجارتي و حرفه‌ای همکاری داشته‌ام مثل، تئاتر ملی و تئاتر گلشن.

در کار نمایش غیر از بازیگری، کارگردانی و نویسندگی نمایشنامه‌ها را نیز به‌عهده داشته‌ام.

تعداد زیادی نمایشنامه نوشته‌ام که مهمترین آنها عبارتند از: موسی و فرعون - بهلول - شیطان سفید - خاک خدا - شده مروارید - یازرسی ویژه - کقتارها - شاه و ماه - خواب دیدی خیر باشه - پشیمان - افسانه سردابه - بایا حیدر - جوجی خان، و حدود ۳۰ نمایشنامه از من به صحنه رفته است.

در مورد چاپ نمایشنامه‌ها باید بگویم که در سطح مدارس تکثیر شده است.

* در کار سینما شرکت داشته‌اید؟

بله - در فیلم رویش در گلدان و در يك سریال بهداشتی، در تلویزیون شبکه ۲.

* وضعیت کنونی تئاتر مشهد چگونه است و چه پیشنهادی برای آن دارید.

سابقاً تئاتر نبود - کافه‌رستوران بدون مشروب بود، شهرستانها به‌طورکلی بهتر از تهران بود، بعد از انقلاب محتوای نمایشنامه‌ها کلا خوب شده و عفت عمومی بیشتر رعایت می‌شود، نوع نمایشها آموزنده‌تر شده است، و نام تئاتر سنتی هست، لکن خودش نیست.

تئاتر مشهد دارای کمبودهایی است که اگر رفع بشود، خوبتر می‌شود، و اگر به دست اندرکاران تئاتر مشهد امکانات بدهند خوب پیشرفت می‌کنند.

۵/۵- رضا رضاپور

وی در سال ۱۳۲۲ در شهرستان تربت حیدریه متولد شد و بعد به مشهد آمد و دوران تحصیلش را در مشهد به پایان برد -

در شروع کار تئاتر محصل بوده و هم‌اکنون کارمند آموزش و پرورش و کارمند جنبی صدا و سیما مرکز مشهد است و نویسنده و کارگردان و بازیگر نمایشنامه‌های رادیویی.

* لطفاً دوران کار تئاتری خود را شرح دهید.

کار نمایش را از دوران دبستان شاهد حدود سال ۱۳۳۵ و به‌طور جدی از سال ۱۳۳۹ از سال چهارم دبیرستان، (دبیرستان فیوضات و دبیرستان حاج تقی آقاپزرگ)

مشهد شروع کردم.

متجاوز از ۲۵ سال کار تئاتر کرده‌ام و هنوز هم در زمینه تئاتر فعالیت دارم و با بچه‌های مدرسه راهنمایی و دبیرستان کارهایی می‌کنیم.

ابتدا کارم را در سال ۱۳۳۹ در تئاتر، با یک نقش کمیک در نمایشنامه (خانه ۳ صاحبه) که نویسنده‌گی و کارگردانی آن را نیز به عهده داشتم آغاز کردم و در سال ۱۳۳۹ در دبیرستان فیوضات مشهد و با همکاری دوست هنرمندم محمد مطیع کار را ادامه دادم و از آن به بعد به اتفاق ایشان کار می‌کردم و آخرین نقش تئاتریم در سال ۱۳۴۷ در سالن شیروخورشید (هلال احمر) در نمایشنامه «از پانیتفاده‌ها، اثر غلامحسین ساعدی» در نقش (صمدخان) - به کارگردانی فریدون صلاحی بود.

ضمناً با گروههای نیما - رودکی - و سایر گروههای مرکز آموزش تئاتر (گروه پارت - فردوسی) نیز همکاری داشته‌ام.

در کار نمایش غیر از بازیگری، در نویسندگی، کارگردانی، گریم و مدیریت صحنه نقش داشته‌ام.

مدتی سرپرست گروههای هنری افشین و نیما بوده‌ام. متجاوز از ۲۰ نمایشنامه نوشته‌ام که به بعضی از آنها اشاره می‌کنم، آدمکها - هاجر - بچه‌های محل - اسیر - خانه ۳ صاحبه - شتر در خواب بیند... - جمعه - خاک - داش‌آکل و... که کلیه آنها به صحنه رفته‌اند و متأسفانه هنوز هیچکدام از آنها به چاپ نرسیده است.

کلا با گروههای زیادی در جشنواره‌های جوانان کشور قبل از انقلاب شرکت کرده و عنوان برترین را کسب نمودم، بمدا از انقلاب در سطح جشنواره‌های محلی کار کرده‌ام. از گروههای تئاتری اولیه در مشهد، باید بگویم که گروههای زیادی فعالیت داشتند از جمله گروهی به سرپرستی دوست هنرمندم عباس مستوفی که هنرمندان قدیمی مشهد جزو اعضاء آن بودند، مثل میربازل - غراب - نکوئیان - پاشائی - مستوفی و خود من جوانترین آنها بودم - گروه میرخدییوی - گروه همایونی - گروه رفیعی - گروه خود من که یک سری کارهای روحوسی و تفریحی هم انجام می‌دادیم، همچنین تمزیه -

*** آیا در کار سیتما هم شرکت داشته‌اید؟**

بلی - در گریز از شهر - و انگیزه‌ام از بازی در سینما، کسب تجربه‌ای تازه، استفاده از تجربه‌ها و آموخته‌هایم در زمینه بازیگری بود که البته فرصت زیادی بمن داده نشد، با اینهمه برایم جالب بود و رضایت دارم.

*** وضعیت کنونی تئاتر مشهد را چگونه می‌بینید و اگر پیشنهادی برای بهبود آن دارید بفرمائید.**

کوشش و حرکت جدیدی که در همه گروهها مشاهده کردم، رضایت‌بخش است. جوانهای فعال و استادان آگاه و خیره الحمدلله در مشهد زیاد داریم و توصیه من به‌عنوان یک بازیگر ساده و کم‌اطلاع اینست که ذوق و استعدادشان را با تجربه

و آموخته‌های کارگردانهای قدیمی اعدام کنند و در این زمینه تلاش کرده و از تجربه و آندوخته‌های هنرمندان پیشکسوت غفلت نکنند و موفقیت آنها را غره نسازد. ضمناً از دوستان تئاتری بسیار عزیزم، آقایان فیروز صباغی، داریوش ارجمند، محمد مطیع، امیر قویدل، مهدی صباغزاده، حمیدرضا اعظم و انوشیروان ارجمند، رضا صابری و رضا سعیدی بخواطر کسب افتخاراتی در سطح ایران، بسیار خرسندم و به آن فخر دارم.

پیشنهادم برای وضع کنونی تئاتر اینست که، در زمینه نمایشنامه‌نویسی فعالیت بیشتری شود، زیرا چهارچوب اصلی يك تئاتر و یا به عبارت دیگر زیربنای يك نمایشنامه «نوشته» است، که باید از موضوع و محتوای خوبی نیز برخوردار باشد. نمایشنامه‌ها اغلب يك موضوع را پی‌گیری می‌کنند و شباهت موضوعی دارند، اگر در این مورد هم کوششی بشود، رو به بهبود خواهد رفت.

۶/۵- داریوش ارجمند

وی در سال ۱۳۲۳ متولد شد و به‌قول خودش بزرگ‌شده تهران است. تحصیلاتش را به ترتیب زیر گذراند. ابتدائی و متوسطه تهران - دیپلمه مشهد - لیسانس تاریخ جامعه‌شناسی، فوق‌لیسانس تئاتر و سینما، دیپلم در مطالعات عمیق در تئاتر و سینما - دارای مدرک دکترای تئاتر از فرانسه. شغل اصلی وی از ابتدای کار تئاتر بازیگری، کارگردانی، کارشناس هنرهای نمایشی و اکنون مسئول گروه هنری ارشاد اسلامی خرامان است.

«لطفاً دوران کار تئاتریتان را شرح دهید.»

کار نمایش را از دبیرستان در سال ۱۳۳۷ شروع کردم و نزدیک ۳۰ سال است که ادامه می‌دهم.

ابتدا کارم را با نقشهای متعدده در نمایشهای محلی، مدرسه‌ای شروع کردم و نخستین نقش جدی‌ام، رضاقلی میرزا در نمایش «خشم نادر» سال ۱۳۳۹ بود و آخرین کار تئاتریم، آنکه روز آزمون.... که هرگز به صحنه نرفت، در این دوران با کلیه گروههای تئاتر استان خراسان همکاری داشته‌ام. در کار نمایش غیر از بازیگری، کارگردانی، صورتگری - نویسندگی، صحنه‌پردازی بعلت کمبود افراد متخصص در شهرستان همه‌کاره و هیچ‌کاره بوده‌ام.

سرپرست گروه تئاتر رودکی و مرکز آموزش تئاتر خراسان بوده‌ام. نمایشنامه‌هایی که نوشته‌ام عبارتند از، سلطان فیل‌گردن، شنیدم گوسفندی را بزرگی، ابراهیم ابراهیم، اقتباس، نادر، یادبان، خوان هشتم، گود زال، که همه به صحنه رفته است.

یادبان در تلویزیون ضبط شده، ولی هیچکدام هنوز چاپ نشده است. با گروههای تئاتری، قبل از انقلاب همکاری کرده‌ام، در کلیه جشنواره‌ها، و بعد از انقلاب به‌عنوان کارشناس شرکت داشته‌ام.

• در کار سینما هم شرکت داشته‌اید؟

بلی - در فیلمهای اسیر - ناخدا خورشید و پائیزان، که انگیزه‌ام از بازی در سینما صرفاً بازی و کسب تجربه‌های بازیگری بوده است.

• لطفاً خاطره‌ای از دوران تئاترتان تعریف کنید

همه سالهای کار تئاتر خاطره است، خاطرات التماس و گدایی سالن، از شیر و خورشید سرخ، هلال احمر امروز.

خاطرات خوش وجود ندارد، یادآوریش ملال‌آور است، ولی سالی که مدال بازیگری در مسابقات هنری رامسر را گرفتم و جام بهترین کارگردان - دانشجویی را (در سال ۱۳۴۸)، خاطرات زیبایی است.

• وضعیت کنونی تئاتر مشهد را چگونه می‌بینید و پیشنهاداتی برای بهبود آن چیست؟

در پنج جشنواره فجر همواره مقام نخست را داشته است، اما غیر حرفه‌ای بودن هم اندازه‌ای دارد، وضعیت تئاتر مشهد بستگی به خیلی مسائل دارد، افراد، صاحب منصبان، مدیران سالنها و....

پیشنهاد من برای بهبود و هرچه بهتر شدن تئاتر مشهد، ایجاد يك سالن مستقل و مخصوص به تئاتر است.

۵/۷- داود کیانیان

وی در سال ۱۳۲۱ در تهران متولد شد و دوران تحصیل را در مشهد، دبیرستان کشاورزی و فوق دیپلم را در انستیتو تربیت مربیان امور هنری گذراند.

وی در شروع کار تئاتر دانش‌آموز بوده، و فعلاً دبیر و حسابدار است.

• لطفاً دوران کار تئاتری خود را شرح دهید.

کار نمایش را از مشهد و حدود سالهای ۱۳۳۵ شروع کردم و حدود ۳۰ سال کار تئاتر کرده‌ام و هم‌اکنون نیز ادامه دارد.

ابتدا کارم را با نقش فیلیپو در نمایش «ویلن‌ساز کره‌مونا» اثر فرانسوا کوپه و کارگردانی همین نمایش حدود سال ۱۳۳۷ شروع کردم و آخرین نقش تئاتریم در نمایش «باران» نوشته خودم در نقش «آیت‌الله خوانری، حدود سال ۱۳۵۲ بود. در این دوران با گروه پارت همکاری نزدیک داشته‌ام و در کار نمایش غیر از بازیگری، کارگردانی و نویسندگی نیز کرده‌ام.

سرپرست گروه نمایشی پارت بوده و نمایشهای زیر را نوشته‌ام:

باران، پسرای عمو صحرا و دخترای نه‌نه دریا، اجاق کور، بچه‌ها و سگها، ۲x۲، داد و بیداد، چگونه بیسته ماهی بین ده نفر تقسیم می‌شود، پیوندتان مبارک، زنده‌باد بچه‌ها، هم بزرگ هم کوچک، عید خونین، صدبار اگر توبه شکستی بازآ، حق‌الیقین، چوب دوسر طلا، که کلیه این نمایشها اجرا شده است و نمایش صدبار اگر توبه شکستی بازآ، بنام «حدیث بازگشت» تولید مرکز مشهد، ضبط تلویزیونی شده است. ضمناً نمایشنامه‌های، بچه‌ها و سگها، اجاق کور، داد و بیداد، به‌چاپ

رسیده است.

با گروههای تئاتری در قبل و بعد از انقلاب اسلامی همکاری کرده‌ام. فعالیت‌های بعد از انقلاب بدین قرار است:

- ۱- یادواره ۱۷ شهریور (تبریز) صدبار اگر توبه شکستی بازآ - سال ۶۲.
 - ۲- جشنواره تئاتر فجر (تهران) صدبار اگر توبه شکستی بازآ افتتاحیه سال ۶۳.
 - ۳- جشنواره سرود و تئاتر سراسر کشور (زندانیها) چوب دوسر طلا - سال ۶۵.
- برای بهبود وضع تئاتر مشهد چه پیشنهادی دارید؟
ایجاد گروههای وابسته به ارشاد و حمایت از گروههای آزاد.

۸/۵- رضا صابری

وی در سال ۱۳۲۷ در شریف‌آباد مشهد به دنیا آمد، دوران تحصیل را در مشهد، دبیرستان هدایت و صفری گذراند، و فارغ‌التحصیل اولین دوره مرکز آموزش تئاتر خراسان در سال ۱۳۴۹ است.

وی در ابتدای ورود به کار تئاتر محصل بوده و اکنون کارگردان تئاتر اداره کل ارشاد اسلامی خراسان است و سرپرست مرکز آموزش تئاتر.
• لطفاً دوران کار تئاتری خود را شرح دهید.
ابتدا کارم را از مشهد و در حدود سالهای ۴۴-۴۶ شروع کردم و تاکنون ادامه دارد.

ابتدا کارم را با نقش مستخدم در نمایش «جذام» نوشته خودم شروع کردم و آخرین نقش تئاتریم تیمور در «رامرودیها» در سالهای ۵۶-۵۸ که مشترکاً با رضا دانشور نوشته بودیم.
در این دوران با گروه تئاتر فارغ‌التحصیلان اولین دوره مرکز آموزش تئاتر، گروه تئاتر نیما و گروه تئاتر رودکی همکاری داشته‌ام.
در کار نمایش غیر از بازیگری، طراحی صحنه، کارگردانی، نمایشنامه‌نویسی را نیز به عهده داشته‌ام و سرپرست گروه تئاتر رودکی وابسته به اداره کل فرهنگ و هنر وقت بوده‌ام.

تاکنون تعداد زیادی نمایشنامه نوشته‌ام که عبارتند از: جذام (سال ۴۹) عصمت (۱۳۵۰) - سایه‌های بلند (۱۳۵۲) - ایاس (۱۳۵۳) - رامرودیها کار مشترک با رضا دانشور (۱۳۵۵) - گلارکته (۱۳۵۹) - ظهور و سقوط دیکتاتور (۱۳۵۸) - خانان (۱۳۶۰) - مظلوم پنجم (۱۳۶۱) - که کلیه این نمایشها اجرا شده و سایه‌های بلند - ایاس - رامرودیها - گلارکته - خانان - ظهور و سقوط دیکتاتور ضبط تلویزیونی گردیده و بجز ظهور و سقوط دیکتاتور بقیه نمایشنامه‌ها به چاپ رسیده است.

در گروههای تئاتر قبل از انقلاب و بعد از آن شرکت کرده‌ام که بدین‌قرارند،

در نخستین، دومین، سومین، چهارمین جشنواره و سمینار تئاتر شهرستان - با نمایشنامه‌های ایاس - رامرودیها - سایه‌های بلند - عصمت - و در جشنواره طوس - قبل از انقلاب - در یادواره تئاتر گرگان - در چهار جشنواره مراسری، تئاتر فجر - سال اول، با نمایش «خانات» - سال دوم با نمایشنامه «مظلوم پنجم» - سال سوم عضو هیأت داوران - سال پنجم: سرپرست کلیه گروههای نمایشی استان - عضو هیأت داوران تئاتر منطقه‌ای مازندران - عضو هیأت داوران نخستین مسابقات قصه و نمایشنامه‌نویسی دانشجویان سراسر کشور -

* در کار سینما هم شرکت داشته‌اید؟

بلی - در فیلمهای زمزمه و یار در خانه، که علت و انگیزه بازی در سینما مشکل مالی بوده است.

* وضعیت کنونی تئاتر مشهد را چگونه می‌بینید و اگر پیشنهادی برای بهبود آن دارید، بفرمائید.

وضعیت کنونی تئاتر مشهد، خوب و رو به رشد است. برای بهبود آن اگر سائلی مستقل داشته باشیم، تئاتر مشهد می‌تواند صاحب نیرومندترین تئاتر این مملکت باشد.

اگرچه کوشش می‌شود با توجه به این معضل تئاتر مشهد همچنان نیرومند و پرتوان به حیاتش ادامه دهد -

۶- خاتمه «جمعیتدنی ۷۶ سال کار نمایشی در مشهد»

اگر سریع و گذرا ۷۶ سال تئاتر خراسان را بررسی کنیم نقاط قوت و ضعفی در آن مشاهده می‌شود، که ساحت قدرتش بیشتر است. از ابتدا که تئاتر در خراسان شکل گرفت و روسهای مهاجر یاب نمایش را در آنجا باز کردند، تاکنون که تئاتر خراسان گل سرسبد ایران است، فاصله‌ای بس طولانی طی شده و عمری بس دراز.

در این حول و حوش آمدند مردانی که با اراده آهنین، پتك به دست گرفتند و راه پرستگلاخ تئاتر خراسان را هموار کردند و ساختند این طریق زیبا را. چشم‌اندازش خوب است ولی کاری که در این عمر شده واقعا شگفت‌آور است. پراستی شالوده تئاتر به هنر شکل و هنروعی بود به کنار، همت والا، هوش و استعداد هنری جوانان این مرز و بوم را باید زمینه‌ساز این موضوع دانست. اگر به هنرمندان این خطه امکانات بدهند، که از پیر و جوان، - پیشکسوت و تازه‌کار دارد از سالن مستقل دم می‌زند، مشکل اسامی حل است.

یعنی این همه افتخارات جامعه هنری خراسان قابل يك سالن ناقابل نیست. در بررسی این چکامه برمی‌خوریم به سالهای قبل از انقلاب، پایه‌گذاری اوج کارهای دانش‌آموزی دانشجویی، ایجاد مرکز آموزش تئاتر و افت از اوج به قعر، سکون و سردرگمی و تك و توك کارهای خیابانی، این تمام تئاتر در قبل از انقلاب

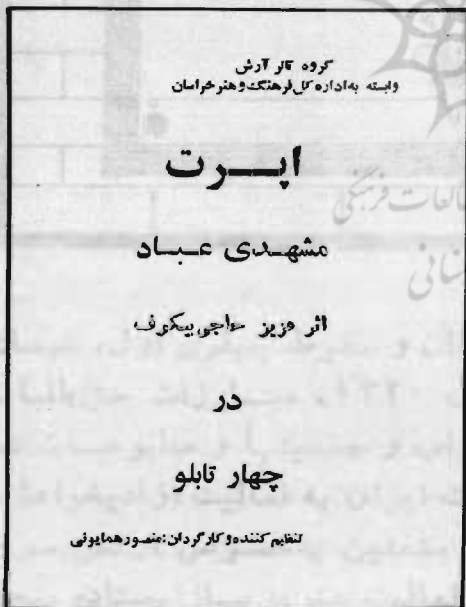


پنجمین جشن فرهنگ و هنر خراسان

مردی که مرده بود
و
خود نمیدانست

نوشته - پرویز صیاد
کارگردان - منصورهمايونی

اجراء گروه هنرمندان وابسته به فرهنگ و هنر خراسان



در مشهد است و نقاطی از آن پرننگ و اندکی سایه‌وار. بعد از انقلاب، جهش اساسی و بروز استعداد‌های دربند کشیده شده و در خفقان زیسته پدید می‌آید. تئاتری نیرومند که یکه‌تاز نمایش ایران می‌شود - از اینها که بگذریم جشنواره سراسری تئاتر فجر را با پنج سال پربار پشت‌سر گذاشتیم و چشم به آینده داریم. و گفتگویی کوتاه با بزرگان تئاتر مشهد. به‌راستی که زحمت کشیدند و موی سپید کردند و ثمره زحمتشان نهالهای بارور امروز، عمرشان پایدار. در خاتمه باید متذکر شد، تئاتر خراسان احتیاج به توجه، پشتیبانی و امکانات دارد. اگر یدل عنایتی شود، درختش پربار و ثمره‌اش شیرین است.

والسلام.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی